



A Vocabulary

ability /ə'bzɪlɪti/ *n* توانایی

Human's ability to talk makes him different from animals.
توانایی انسان در صحبت کردن او را از حیوانات متمایز می‌کند.

absolutely /'æbsəlu:tli/ *adv* قطعاً، حتماً

She has absolutely no enemies. او قطعاً هیچ دشمنی ندارد.

amount /ə'maʊnt/ *n* مقدار، میزان

He spent a large amount of money.
او مقدار زیادی پول خرج کرد.

around /ə'raʊnd/ *adv, prep*

۱- این نزدیکی‌ها، همین دوروبر ۲- سرتاسر ۳- دور
Is Helen around? I want to speak to her.
آیا هلن همین دوروبره؟ می‌فوام با او صحبت کنم.

at last /æt la:st \$ læst/ *adv* سرانجام، بالاخره

At last the bus arrived.
سرانجام اتوبوس رسید.

available /ə'veɪləbəl/ *adj* موجود، در دسترس

The Holy Quran is available in more than 100 languages.
قرآن کریم در بیش از صد زبان موجود می‌باشد.

begin /bɪ'ɡɪn/ *v* شروع کردن، آغاز کردن

I began learning English at school.
من یادگیری انگلیسی را در مدرسه شروع کردم.

besides /bɪ'saɪdz/ *prep* علاوه بر، گذشته از

Besides my mother tongue, Persian, I speak English well.
علاوه بر زبان مادری‌ام، فارسی، انگلیسی را به خوبی صحبت می‌کنم.

borrow /'bɒrəʊ \$ 'ba:rou/ *v* قرض گرفتن

Can I borrow your pen? می‌توانم قرضگارتان را قرض بگیرم؟

bottle /'bɒtl \$ 'ba:tl/ *n* بطری

They drank two bottles of water. آن‌ها دو بطری آب خوردند.

by /baɪ/ *prep* ۱- (بیانگر زمان) تا ۲- با، به وسیله ۳- نزدیک، کنار

I must finish this work by six o'clock.
من باید این کار را تا ساعت شش تمام کنم.

call /kɔ:l \$ ka:l/ *v* ۱- نامیدن ۲- تلفن کردن (به) ۳- صدا زدن

They called the baby Peter. آن‌ها بچه را پیتر نامیدند.

Canadian /kə'neɪdiən/ *adj, n* کانادایی

I thought Tom was Canadian. من فکر می‌کردم تام کانادایی است.

candle /'kændl/ *n* شمع

I need 12 birthday candles. من ۱۲ شمع تولد نیاز دارم.

Lesson One

century /'sentʃəri/ *n*

قرن

He was born in the 19th century. او در قرن نوزدهم متولد شد.

coffee shop /'kɒfi ʃɒp \$ 'kɑ:fi ʃɑ:p/ *n*

کافی شاپ، کافه تریا

I ordered a cup of coffee at the coffee shop.

یک فنجان قهوه در کافی شاپ سفارش دادم.

communicate /kə'mju:nɪkət/ *v*

ارتباط برقرار کردن

People use language to communicate with each other.

مردم از زبان برای ارتباط برقرار کردن یا یکدیگر استفاده می‌کنند.

communication /kə'mju:nɪ'keɪʃən/ *n*

ارتباط، (صفت‌گونه) ارتباطی

Every language is an amazing means of communication.

هر زبان یک ابزار ارتباطی هیرت انگیز است.

continent /'kɒntɪnənt \$ 'kɑ:n-/ *n*

قاره

Asia is the largest continent in the world.

آسیا بزرگ‌ترین قاره در جهان است.

cost /kɒst \$ kɑ:st/ *v*

قیمت داشتن، ارزیابی

How much does it cost?

قیمت آن چه قدر است؟

countable /'kauntəbəl/ *adj*

قابل شمارش

The word "chair" is a countable noun.

کلمه "chair" اسم قابل شمارش است.

deaf /def/ *adj*

ناشنوا

She's deaf in her left ear.

او از گوش چپش ناشنوا است.

despite /dɪ'spaɪt/ *prep*

بدرغم، با وجود

I enjoyed the weekend, despite the bad weather.

با وجود هوای بد از تعطیلات آفر هفته لذت بردم.

die /daɪ/ *v*

۱- از بین رفتن، نابود شدن ۲- مردن

One language dies about every fourteen days.

تقریباً هر چهارده روز یک زبان از بین می‌رود.

difference /'dɪfərəns, 'dɪfr-/ *n*

تفاوت، اختلاف

Honestly, I didn't understand their differences.

راستش را بخواهی، تفاوت آن‌ها را نفهمیدم.

disappear /,dɪsə'pɪə \$ -'pɪr/ *v*

از بین رفتن، ناپدید شدن

When a language dies, the culture disappears with it.

وقتی یک زبان از بین می‌رود، فرهنگ با آن از بین می‌رود.

dollar /'dɒlə \$ 'dɑ:lər/ *n*

(واحد پول) دلار

Can I borrow ten dollars?

می‌توانم ده دلار قرض بگیرم؟

each other /i:tʃ 'ʌðə \$ 'ʌðər/ *pron*

یکدیگر، همدیگر

They're always wearing each other's clothes.

آن‌ها همیشه لباس یکدیگر را می‌پوشند.

early /'ɜ:li \$ 'ɜ:rli/ *adj, adv*

زود

I got up early in the morning.

من صبح زود بیدار شدم.

as early as possible

هر چه زودتر، در اسرع وقت

You should start learning English as early as possible.

شما باید هر چه زودتر یادگیری انگلیسی را شروع کنید.

exchange /ɪks'tʃeɪndʒ/ *v*

ردوبدل کردن، مبادله کردن

Through languages, people can exchange knowledge.

افراد از طریق زبان می‌توانند دانش مبادله کنند.

exercise /'eksəsaɪz \$ -ər-/ *v*

تمرین کردن، ورزش کردن

Every night, we exercise for 30 minutes.

هر شب به مدت ۳۰ دقیقه ورزش می‌کنیم.

exist /ɪg'zɪst/ *v*

وجود داشتن

Does water really exist on Mars?

آیا واقعاً در مریخ آب وجود دارد؟

experience /ɪk'spiəriəns \$ -'spɪr-/ *n, v*

۱- تجربه ۲- تجربه کردن

He has a lot of experience in teaching English.

او تجربه زیادی در تدریس انگلیسی دارد.

explain /ɪk'spleɪn/ *v*

توضیح دادن

He explained how to use the microscope.

او نحوه استفاده از میکروسکوپ را توضیح داد.

farming /'fɑ:mɪŋ \$ 'fɑ:r-/ *n*

کشاورزی

Mazandaran is one of the best farming regions of Iran.

مازندران یکی از بهترین مناطق کشاورزی ایران است.

feeling /'fi:liŋ/ *n*

احساس، (در جمع) احساسات

I enjoy running - it gives me a good feeling.

من از دویدن لذت می‌برم - آن به من احساس خوبی می‌دهد.

few /fju:/ *adj*

کمی، تعداد کمی

Few people live to the age of 100.

تعداد کمی از افراد تا سن ۱۰۰ سالگی عمر می‌کنند.



fluently /'flu:əntli/ *adv* به راحتی، روان

She speaks five languages fluently.

او به راحتی به پنج زبان صحبت می‌کند.

foreigner /'fɔ:rnə \$ 'fɔ:rnər, 'fa:-/ *n* (فرد) خارجی

A lot of foreigners visit our town.

افراد خارجی زیادی از شهرمان بازدید می‌کنند.

glass /gla:s \$ glæs/ *n* لیوان

Please give me a glass of milk.

لطفاً یک لیوان شیر به من بدهید.

grade /greɪd/ *n* نمره

I usually get good grades in my exams.

من معمولاً در امتحانات نمرات خوبی می‌گیرم.

grass /grɑ:s \$ græs/ *n* علف، چمن

Don't walk on the grass.

بر روی چمن راه نروید.

greatly /'gretli/ *adv* خیلی، بسیار زیاد

Languages vary greatly from region to region.

زبان‌ها از منطقه‌ای به منطقه (دیگر) بسیار متفاوت هستند.

high school /'haɪ sku:l/ *n* دبیرستان

Meysam is a high school student.

میتام دانش‌آموز دبیرستانی است.

honest /'ɒnəst \$ 'ɑ:n-/ *adj* صادق، راستگو

I am sure that he is an honest man.

مطمئنم که او مرد صادقی است.

host /həʊst \$ houst/ *v, n* ۱- میزبان ... بودن ۲- میزبان

He is hosting Meysam in his office.

او در دفترش میزبان میتام است.

imagine /ɪ'mædʒɪn/ *v* تصور کردن

Imagine you are traveling in space.

تصور کنید دارید در فضا سفر می‌کنید.

impossible /ɪm'pɒsəbəl \$ ɪm'pɑ:-/ *adj* غیرممکن

It is impossible to imagine the world without language.

تصور کردن جهان بدون زبان غیرممکن است.

institute /ɪn'stɪtju:t \$ -tu:t/ *n* آموزشگاه، مؤسسه

I learned French in a language institute.

من فرانسه‌ای را در یک آموزشگاه زبان یاد گرفتم.

IRIB /aɪ a: əz 'bi: \$ -a:r-/ *n* صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

Babak is a translator who works for IRIB.

بابک مترجمی است که برای صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران کار می‌کند.

juice /dʒu:s/ *n* [میوه] آب، آب‌میوه

He gave me a glass of orange juice.

او یک لیوان آب پرتقال به من داد.

keep off /ki:p 'ɒf \$ 'ɑ:f/ *phr v* وارد ... نشدن، دورماندن از

Keep off the grass.

وارد چمن نشوید.

kilo /'ki:ləu \$ -ləu/ *n* کیلو

Tom bought three kilos of apples.

تام سه کیلو سیب خرید.

largely /'lɑ:dʒli \$ 'lɑ:r-/ *adv* عمدتاً، بیشتر، زیاد

The room is largely used for meetings.

این اتاق بیشتر برای جلسات استفاده می‌شود.

learner /'lɜ:nə \$ 'lɜ:rnər/ *n* نوآموز، فراگیر

English has around one billion learners around the world.

زبان انگلیسی حدود یک میلیارد فراگیر در سراسر جهان دارد.

little /'lɪtl/ *adj* کمی، مقدار کمی

We have very little money.

ما پول خیلی کمی داریم.

live /laɪv/ *adj* زنده

The number of live languages of the world is around 7000.

تعداد زبان‌های زنده دنیا حدود ۷۰۰۰ زبان است.

loaf /ləʊf \$ ləʊf/ *n* قرص نان

My mother baked five loaves of bread.

مادرم پنج تان پخت.

a loaf of bread یک قرص نان، یک نان

I bought a loaf of bread for breakfast.

یک نان برای صبحانه خریدم.

make up /meɪk 'ʌp/ *phr v* تشکیل دادن

China makes up 18% of the world's population.

چین ۱۸ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد.

means /mi:nz/ *n* وسیله، طریق

We crossed the river by means of a small bridge.

ما از طریق یک پل کوچک از رودخانه رد شدیم.

Lesson One

by means of از طریق، به وسیله

I tried to explain the new word by means of sign language.
من سعی کردم کلمه جدید را از طریق زبان اشاره توضیح بدهم.

means of communication وسیله ارتباطی، ابزار ارتباطی

They had no means of communication.
آن‌ها هیچ ابزار ارتباطی نداشتند.

meat /mi:t/ *n* گوشت

I bought 2 kilos of meat.
من دو کیلو گوشت خریدم.

meet the needs of نیازهای ... را برآورده کردن

Scientists say that by 2050, wind power can meet the needs of the world.
دانشمندان می‌گویند تا سال ۲۰۵۰، نیروی باد می‌تواند نیازهای جهان را برآورده کند.

melon /'melən/ *n* خربزه

I ate two slices of melon and a slice of watermelon.
من دو قاچ خربزه و یک قاچ هندوانه خوردم.

mental /'mentl/ *adj* روانی، ذهنی

Mental health is as important as physical health.
سلامت روانی به اندازه سلامت جسمی مهم است.

Moscow /'mɒskəʊ \$ 'mɑ:skəʊ, -kəʊ/ *n* (شهر) مسکو

I learned Russian when I was in Moscow.
وقتی در مسکو بودم زبان روسی را یاد گرفتم.

mother tongue /,mʌðə 'tʌŋ \$ -ər/ *n* زبان مادری

Is English or French his mother tongue?
آیا انگلیسی زبان مادری اش است یا فرانسوی؟

native /'neɪtɪv/ *adj* ۱- [زبان] مادری ۲- بومی

Spanish is Diego's native language.
اسپانیایی زبان مادری دیگو است.

native speaker سخنگوی بومی (زبان)، گویشور بومی

All our teachers are native speakers of English.
همه معلمان ما بومیان انگلیسی‌زبان هستند.

nearly /'nɜ:li \$ 'nɜ:li/ *adv* تقریباً

The endangered languages make up nearly 8 percent of the world's languages.
زبان‌های در معرض خطر تقریباً ۸ درصد زبان‌های جهان را تشکیل می‌دهند.

no matter ... /nəʊ 'mætə \$ nəʊ -ər/

مهم نیست که ...، صرف‌نظر این که ...
We should respect all languages, no matter how many speakers they have.

ما باید به تمام زبان‌ها احترام بگذاریم، مهم نیست که چند گویشور داشته باشد.

notice /'nəʊtɪs \$ 'nəʊ- / *n, v* ۱- توجه ۲- توجه کردن به

Her red dress attracted notice.
لباس قرمزش جلب توجه کرد.

take notice of توجه کردن به

I didn't take any notice of what she said.
من به آن چه او گفت هیچ توجهی نکردم.

Oceania /əʊfɪ'eɪniə \$ ɔ:ʃ-/ *n* اقیانوسیه

There are more than 1300 languages in Oceania.
پیش از ۱۳۰۰ زبان در اقیانوسیه وجود دارد.

order /'ɔ:də \$ 'ɔ:rdə/ *v* ۱- سفارش دادن ۲- دستور دادن

I ordered some coffee.
مقداری قهوه سفارش دادم.

parking lot /'pɑ:kɪŋ lɒt \$ 'pɑ:r- lɑ:t/ *n* پارکینگ

There is a parking lot around.
این نزدیکی‌ها یک پارکینگ وجود دارد.

percent /pə'sent \$ pər-/ *adj* درصد

Today, less than 40 percent of people live in villages.
امروزه، کم‌تر از ۴۰ درصد از مردم در روستاها زندگی می‌کنند.

photograph /'fəʊtəgrɑ:f \$ 'fəʊtəgræf/ *n* عکس

Here is a photograph of my family.
این عکس خانواده‌ام است.

take a photograph (of) عکس گرفتن (از)

My friends took photographs of animals.
دوستانم از حیوانات عکس گرفتند.

physical /'fɪzɪkəl/ *adj* جسمی، بدنی

Your son is in good physical health.
پسر شما در سلامت جسمی خوبی است.

pick /pɪk/ *v* ۱- برداشتن ۲- انتخاب کردن

I picked the bags and read the explanations on them.
من کیسه‌ها را برداشتم و توضیحات روی آن‌ها را خواندم.

piece /pi:s/ *n* قطعه، تکه، برش

Would you like a piece of cake?
یک برش کیک میل دارید؟

point /pɔɪnt/ *n* نکته، مسئله

That's a very important point. آن نکته بسیار مهمی است.

popular /'pɒpjələ \$ 'pɑ:pjələ/ *adj* پرطرفدار، محبوب

Rice is the most popular food in Iran.
برنج پرطرفدارترین غذا در ایران است.

population /,pɒpjʊ'leɪʃən \$,pa:--/ *n* جمعیت

What is the population of your country?
جمعیت کشور شما چقدر است؟

project /'prɒdʒekt \$ 'pra:--/ *n* پروژه، طرح

He is interviewing Mr. Saberian for his school project.
او برای پروژه مدرسه‌اش دارد با آقای صابریان مصاحبه می‌کند.

range /reɪndʒ/ *v* متغیر بودن، نوسان داشتن

Dictionary prices range from \$5 to \$15.
قیمت‌های فرهنگ لغت از ۵ دلار تا ۱۵ دلار متغیر است.

region /'ri:ʒən/ *n* منطقه، ناحیه

The birds return to this region every year.
پرندگان هر سال به این منطقه برمی‌گردند.

Russian /'rʌʃən/ *n, adj* ۱- (زبان) روسی ۲- (مربوط به) روسیه، روسی

I can speak English and Russian well.
من می‌توانم انگلیسی و روسی را به خوبی صحبت کنم.

sign language زبان اشاره

Deaf people can talk in sign language.
افراد ناشنوا می‌توانند به زبان اشاره حرف بزنند.

simple /'sɪmpəl/ *adj* ساده، ابتدایی

She explained her work in simple language.
او کارش را به زبانی ساده توضیح داد.

slice /slaɪs/ *n* تکه، قطعه، برش، قاچ

She cut the bread into three slices.
او نان را به سه تکه تقسیم کرد.

smart /sma:t \$ sma:rt/ *adj* باهوش، زرنگ

Ali is a smart student.
علی دانش‌آموز باهوشی است.

so ... that آن قدر ... که

This bag is so heavy that I can't carry it.
این کیف آن قدر سنگین است که من نمی‌توانم آن را حمل کنم.

society /sə'saɪətɪ/ *n* جامعه

We live in an Islamic society.
ما در یک جامعه اسلامی زندگی می‌کنیم.

somewhere /'sʌmwɛə \$ -wɛr/ *adv* جایی، یک جایی

Helen lives somewhere in London.
هلن یک جایی در لندن زندگی می‌کند.

space /speɪs/ *n* ۱- فضا ۲- جا

Who was the first human being in space?
اولین انسانی که به فضا رفت چه کسی بود؟

speaker /'spi:kə \$ -ər/ *n* گوینده، گویشور، سخنگو

When a language has no speaker, it dies out.
وقتی یک زبان هیچ گویشوری نداشته باشد، از بین می‌رود.

English speaker انگلیسی‌زبان، گویشور انگلیسی

He is an English speaker.
او انگلیسی‌زبان است.

spoken /'spəʊkən \$ 'spou--/ *adj* گفتاری

Languages use written and spoken forms.
زبان‌ها از شکل نوشتاری و گفتاری استفاده می‌کنند.

storybook /'stɔ:ri:bʊk/ *n* کتاب داستان

On weekends, I read storybooks.
در تعطیلات آخر هفته، کتاب‌های داستان می‌خوانم.

sugar /'ʃʊgə \$ -ər/ *n* شکر

There were four types of sugar in the shop.
چهار نوع شکر در فروشگاه وجود داشت.

surprising /sə'praɪzɪŋ \$ sər--/ *adj* شگفت‌انگیز، حیرت‌انگیز

The news was surprising.
آن خبر شگفت‌انگیز بود.

therefore /'ðeəfə: \$ 'ðɜ:fə:r/ *adv* بنابراین، در نتیجه

It was late, therefore I didn't stay long.
دیر وقت بود، بنابراین این مدت زیادی نماندم.

think of /θɪŋk əv \$ əv, a:v / *v* فکر کردن درباره، تصور ... را کردن

I can't think of life without water.
من نمی‌توانم زندگی بدون آب را تصور کنم.

through /θru:/ *prep* ۱- از طریق ۲- از میان

People exchange feelings through language.
مردم احساسات را از طریق زبان مبادله می‌کنند.



Lesson One

tiny /'taɪni/ *adj* خیلی کوچک

Ants are tiny insects. مورچه‌ها حشرات خیلی کوچکی هستند.

to be honest (with you) راستش را بخواهی، راستش

To be honest, I don't want to go. راستش را بخواهی، من نمی‌فرواهم بروم.

traffic /'træfɪk/ *n* ترافیک، عبور و مرور

There was much traffic on the roads on Monday. دوشنبه ترافیک زیادی در جاده‌ها بود.

turn off /tɜːn 'ɒf \$ tɜːrn 'ɑːf/ *phr v* [تلویزیون و غیره] خاموش کردن

You must turn off your mobile here. تو باید این‌جا موبایلت را خاموش کنی.

turn on /tɜːn 'ɔːn \$ tɜːrn 'ɔːn/ *phr v* [تلویزیون و غیره] روشن کردن

Could you turn the light on? ممکنه لطفاً لامپ را روشن کنید؟

uncountable /ʌn'kaʊntəbəl/ *adj* غیر قابل شمارش

There are many uncountable words for food in English. کلمات غیر قابل شمارش زیادی برای غذا در انگلیسی وجود دارد.

understand /,ʌndə'stænd \$ -ər-/ *v*

حرف‌های /زبان ... را فهمیدن، فهمیدن

He doesn't understand Spanish. او زبان اسپانیایی را نمی‌فهمد.

valuable /'væljuəbəl \$ 'væljəbəl/ *adj* باارزش

All languages are really valuable, despite their differences. تمام زبان‌ها با وجود تفاوت‌هایشان خیلی باارزش هستند.

vary /'veəri \$ 'veri/ *v* تفاوت داشتن، متفاوت بودن

In some cities, prices vary from shop to shop. در برخی شهرها، قیمت‌ها از فروشگاه‌ها به فروشگاه‌ها دیگر متفاوت است.

written /'rɪtn/ *adj* نوشتاری، کتبی

Some languages have no written form. برخی از زبان‌ها شکل نوشتاری ندارند.

wrongly /'rɒŋli \$ 'ra:ŋ-/ *adv* به اشتباه، اشتباهی

He spelled his name wrongly. او نامش را اشتباهی همی کرد.

You're welcome. (در پاسخ تشکر) خواهش می‌کنم.

"Thank you." "You're welcome." «متشکرم.» «فرواهش می‌کنم.»

واژگان کتاب‌کار

a number of تعدادی، چند، چند تا

access /'æksɪs/ *n* دسترسی، دسترسی

have access to دسترسی داشتن به

add /æd/ *v* اضافه کردن، افزودن

afraid /ə'freɪd/ *adj* ترسیده

be afraid of ترسیدن از

artist /'ɑːtɪst \$ 'ɑːr-/ *n* هنرمند

beginner /bɪ'gɪnə \$ -ər/ *n* مبتدی، تازه‌کار، نوآموز

Belgium /'beldʒəm/ *n* بلژیک

certainly /'sɜːnlɪ \$ 'sɜːr-/ *adv* مطمئناً، قطعاً، یقیناً

confident /'kɒnfɪdənt \$ 'kɑːn-/ *adj* با اعتماد به نفس

be confident اعتماد به نفس داشتن

consider /kən'sɪdə \$ -ər/ *v* در نظر گرفتن، مورد توجه قرار دادن

day-to-day /,deɪ'tə'deɪ/ *adj* روزانه، روزمره، هر روز

escape /ɪ'skeɪp/ *v* فرار کردن

etc. /et 'setərə/ *adv* و غیره

extra /'ekstrə/ *adj* اضافی، بیشتر

fall down /fɔːl 'daʊn \$ fa:l/ *phr v* افتادن

hint /hɪnt/ *n* راهنمایی، توصیه

improve /ɪm'pruːv/ *v* بهتر کردن، بهبود بخشیدن

improvement /ɪm'pruːvmənt/ *n* بهبود، پیشرفت

item /'aɪtəm/ *n* چیز، فخره

label /'leɪbəl/ *v* برچسب زدن به

learning /'lɜːnɪŋ \$ 'lɜːr-/ *n* یادگیری

listening /'lɪsənɪŋ/ *n* گوش دادن

mistake /mɪ'steɪk/ *n* اشتباه

make a mistake اشتباه کردن

pack /pæk/ *n* پاکت، بسته، جعبه

plenty of /'plenti əv \$ əːv/ مقدار زیادی، تعداد زیادی

reading /'riːdɪŋ/ *n* خواندن، مطالعه

southern /'sʌðən \$ -ən/ *adj* جنوبی

speaking /spiːkɪŋ/ *n* صحبت کردن

suggest /sə'dʒest \$ səg'dʒest/ *v* پیشنهاد کردن

writing /'raɪtɪŋ/ *n* نگارش، (عمل) نوشتن

کلاس خصوصی

فب، الان وقتشه بدونی از این همه لغتی که یادگرفتی چه نوع سوالایی از بخش واژگان میاد. انواع سوالای بخش واژگان به صورت زیره
 ۱- کلمه نامهانگ ۲- تصویر ۳- عبارت ۴- پورکردنی ۵- تست ۶- دانش واژگانی ۷- تعریف ۸- مترادف و متضاد
کلمه نامهانگ در این قسمت، سه کلمه از لحاظ معنی یا نوع کلمه (اسم، فعل، صفت یا قید بودن) با همدیگه هماهنگن و یکی متفاوته.

country	کشور	language	زبان	continent	قاره
I'm from ...	من اهل ... هستم.	I speak ...	من ... صحبت می‌کنم.	Africa	آفریقا
Iran	ایران	Persian / Farsi	فارسی	Asia	آسیا
France	فرانسه	French	فرانسوی	Oceania	اقیانوسیه
Germany	آلمان	German	آلمانی	South America	آمریکای جنوبی
England	انگلستان	English	انگلیسی	North America	آمریکای شمالی
Canada	کانادا	English / French	انگلیسی / فرانسوی	Europe	اروپا
Russia	روسیه	Russian	روسی	the world	جهان
Turkey	ترکیه	Turkish	ترکی، ترکیه‌ای	planet	سیاره
Sweden	سوئد	Swedish	سوئدی	area	منطقه، ناحیه
Spain	اسپانیا	Spanish	اسپانیایی	region	منطقه، ناحیه
Korea	کره	Korean	کره‌ای	continent	قاره
Egypt	مصر	Arabic	عربی	country	کشور
Japan	ژاپن	Japanese	ژاپنی	city	شهر
China	چین	Chinese	چینی	town	شهرستان، شهر
Portugal	پرتغال	Portuguese	پرتغالی	village	روستا، دهکده
Poland	لهستان	Polish	لهستانی	speaker	گویشور، سخنگو
Greece	یونان	Greek	یونانی	native speaker	گویشور بومی
India	هند	Indian	هندی	English speaker	انگلیسی‌زبان
Thailand	تایلند	Thai	تایلندی	foreign learner	نواموز خارجی
Italy	ایتالیا	Italian	ایتالیایی	foreigner	(فرد) خارجی

time	زمان	place	مکان	liquid	مایع
century	قرن	university	دانشگاه	water	آب
year	سال	high school	دبیرستان	coffee	قهوه
month	ماه	institute	آموزشگاه، مؤسسه	milk	شیر
week	هفته	library	کتابخانه	tea	چای
day	روز	bookshop / bookstore	کتابفروشی	juice	آبمیوه
hour	ساعت	office	دفتر، اداره	orange juice	آب پرتقال
minute	دقیقه	coffee shop	کافی‌شاپ، کافه‌تريا	apple juice	آبسیب
second	ثانیه	parking lot	پارکینگ		

Lesson One

A Choose the odd one out.

- | | | | |
|----------------|------------------|----------------|---------------|
| 1. 1) grass | 2) flower | 3) plant | 4) region |
| 2. 1) Arabic | 2) Turkey | 3) Russian | 4) German |
| 3. 1) juice | 2) sugar | 3) rice | 4) meat |
| 4. 1) Africa | 2) North America | 3) Russia | 4) Europe |
| 5. 1) language | 2) institute | 3) high school | 4) laboratory |
| 6. 1) Canadian | 2) Italian | 3) Spanish | 4) Greek |

گزینه ناهمگون را انتخاب کنید.

تصویر سؤال تصویر به سه صورت می تونه طرح بشه

۱- هر تصویر رو باید به کلمه یا جمله مربوط به اون وصل کنین.

۲- باید کلمه مربوط به هر تصویر رو بنویسین.

۳- با توجه به تصویر باید جمله های ناقص رو کامل کنین.

B Match the pictures with the given words. There is one extra word.

هر تصویر را به کلمات داده شده وصل کنید. یک کلمه اضافی است.



7.



8.



9.



10.



11.

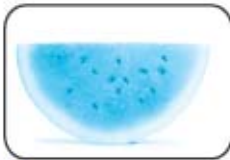


12.

- a communicate
- b percent
- c sign language
- d parking lot
- e deaf
- f tongue
- g century

C Write correct words under the pictures.

کلمات درست را زیر تصاویر بنویسید.



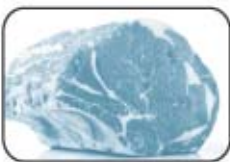
13. s.....



14. g.....



15. c.....



16.



17.



18.

D Complete the following sentences using the pictures.

با استفاده از تصاویر، جملات زیر را کامل کنید.

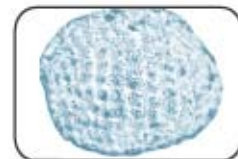
19. My classmate's m..... t..... is English.



20. His aunt is going to attend a l..... i..... to learn French.



21. I bought a l..... of b..... for breakfast this morning.



22. These deaf boys are talking to each other using s..... l..... now.



عبارت از من به شما نصیحت، عبارت‌های هر درس رو یاد بگیرین تا بتونین به این سؤال و بیشتر سوالاتی واژگان پاسخ بدین. در مورد سؤال عبارت، هر عبارت رو نصف میکنن، نصف عبارت رو زیر ستون A و نصف دیگه رو زیر ستون B مینویسن و شما باید اونارو به هم وصل کنین، به همین راحتی (البته به شرطی که عبارت‌های زیر رو بلد باشین!).

native language	زبان مادری	to be honest (with you)	راستش را بخواهی، راستش
mother tongue	زبان مادری	You're welcome.	(در پاسخ تشکر) خواهش می‌کنم.
first language	زبان مادری	take notice of	توجه کردن به
native speaker	گویشور بومی	take a photograph (of)	عکس گرفتن (از)
a native speaker of English	انگلیسی‌زبان	no matter how / what / ...	صرف نظر از این که
an English speaker	انگلیسی‌زبان	meet the needs of...	نیازهای ... را برآورده کردن
a sign language	زبان اشاره	as early as possible	هر چه زودتر، در اسرع وقت
a language institute	آموزشگاه زبان	by means of	از طریق، به وسیله
a loaf of bread	یک قرص نان	means of communication	وسیله ارتباطی، ابزار ارتباطی
a piece of paper	یک ورق کاغذ	a piece of cake	یک برش کیک

E Match columns A and B. One is extra in column B. در ستون B یکی اضافی است.

A

- 23. to be honest
- 24. by means
- 25. meet the
- 26. take a
- 27. a native

B

- a needs of its speakers
- b mother tongue
- c photograph of animals
- d speaker of German
- e with you
- f of communication

Lesson One

📌 جورکردنی، تست و دانش واژگانی < سؤالی این قسمت به چهار صورته،

۱- مفهومی، در مورد سؤال مفهومی، با توجه به مفهوم جمله پاسخ میدین. مثل سؤالی ۲۹، ۳۲ و ۳۵.

۲- عبارتی، قسمتی از عبارت که حذف شده، پاسخ درسته. مثل سؤالی ۳۰، ۳۱ و ۳۴.

۳- سافزاری، سافزار کمک میکنه راحت تر پاسخ بدین. مثل سؤالی ۲۸ و ۳۳ که سافزارش به صورت زیره،

● vary from sth to sth

vary from person to person

vary from region to region

● vary (range) from A to B

Ticket prices vary (range) from \$8 to \$15.

● vary (range) in price / size / age

These flowers vary (range) in size and colour.

از چیزی به چیزی فرق کردن، در چیزهای مختلف متفاوت بودن

از فردی به فردی فرق کردن، در افراد مختلف متفاوت بودن

از منطقه‌ای به منطقه‌ای فرق کردن، در مناطق مختلف متفاوت بودن

از A تا B متفاوت بودن

قیمت‌های بلیط از ۸ تا ۱۵ دلار متفاوت است.

از نظر قیمت / اندازه / سن با هم فرق داشتن

این گل‌ها از نظر اندازه و رنگ با هم فرق دارند.

۴- تعریف، بر اساس تعریف جمله، پاسخ میدین. مثل سؤالی ۳۶ و ۳۷.

📌 Fill in the blanks with the given words. There is one extra word.

جاهای خالی را با کلمات داده‌شده پر کنید. یک کلمه اضافی است.

vary - available - notice - matter - possible

28. The prices of some seafood from week to week.

29. Cars are now in a wide range of prices.

30. You should start learning French as early as

31. The boy took no of his father's advice.

📌 Choose the best answer.

بهترین پاسخ را انتخاب کنید.

32. It's impossible to work with all this noise.

1) especially 2) absolutely 3) greatly 4) luckily

33. There were 120 students whose ages from 10 to 18 in my class.

1) picked 2) ranged 3) felt 4) grew

📌 Fill in the blanks with your own words.

جاهای خالی را با دانش خود کامل کنید.

34. "Thank you so much for helping." "You're"

35. It's becoming dark. Could you on the light?

36. One of the seven main areas of land on the Earth, such as Africa, Asia, or Europe is called a(n)

37. A(n) is a person from another country.

📌 تعریف < با توجه به این که کتاب درسی در هر درس، ۵ تا ۷ کلمه رو تعریف کرده و برای اون متالی هم آورده، اهمیت این قسمت مشخصه. پس لطفاً جدول

تعریف‌های درس رو با دقت بنویسین. ۵ تعریف صفحه ۲۳ کتاب درسی و چند تعریف مهم دیگه رو که در نمونه سؤالی تعریف این کتاب آوردم با دقت بنویسین.

تعریف‌های زیر هم بقیه تعریف‌های مهم درس که از اینا هم سؤال میار.

دو نوع سؤال تعریف داریم، ۱- به صورت جمله (مثل سؤال ۳۶ و ۳۷) - ۲- وصل کردنی (مثل ۳۸ و ۳۹).

ready for you to use, have, or see	آماده برای شما تا استفاده کنید، داشته باشید یا ببینید	available
not able to hear	ناتوان در شنیدن	deaf
a large area or building where you can leave your car for a time	مکانی بزرگ یا ساختمانی که در آنجا شما می‌توانید ماشین‌تان را برای مدتی بگذارید	parking lot
a school for children between the ages of 14 and 18	مدرسه‌ای برای بچه‌های بین سنین ۱۴ و ۱۸	high school
a place where people are studying a particular thing	مکانی که در آنجا افراد در حال یادگیری چیز خاصی هستند	institute
exchange information with other people, using words, signs, writing, etc.	تبادل اطلاعات با افراد دیگر با استفاده از کلمات، اشاره، نوشته و غیره	communicate

1 Match columns A and B. There are two extra words in column B.

ستون A و B را به هم وصل کنید. در ستون B دو کلمه اضافی است.

A

B

38. a part of a country or of the world
39. the number of people who live in a place

- a population
b human
c region
d continent

مترادف و متضاد ← جدول مترادف و متضاد درس اول

begin ⇒ start	surprising ⇒ amazing / wonderful	slice ⇒ piece / part
die ⇒ pass away	tiny ⇒ small / little	simple ⇒ easy
disappear ⇒ die	imagine ⇒ think of	therefore ⇒ so
borrow ⇒ take	at last ⇒ finally	valuable ⇒ useful / helpful
greatly ⇒ largely / very much	nearly ⇒ about / around	region ⇒ area
make up ⇒ form	vary ⇒ be different	by means of ⇒ by using
notice ⇒ attention	take notice of ⇒ pay attention to	mother tongue ⇒ native language

مترادف

begin ⇏ finish / end	tiny ⇏ big / large	simple ⇏ difficult / hard
die ⇏ live	early ⇏ late	impossible ⇏ possible
borrow ⇏ give / lend	turn on ⇏ turn off	little ⇏ big / much
few ⇏ many	wrongly ⇏ correctly	native ⇏ foreign

متضاد

1 Find the antonyms or synonyms.

متضاده یا مترادف‌ها را پیدا کنید.

40. The houses and cars looked tiny from the sky.
41. We lived there for nearly two years.

- a about
b greatly
c far
d big

نمونه سؤال‌های امتحانی واژگان

۱- با استفاده از کلمات داده‌شده، جمله‌های زیر را کامل کنید. (یک کلمه اضافی است).

honest - explained - grass - foreign - make up - besides - vary

42. To be, I didn't think his English was very good.
43. Some animals such as cows and sheep eat
44. My uncle speaks two languages English.
45. They about 12.5 percent of the population.
46. The boxes in size from small to large.
47. The teacher the meaning of the poem to us.

valuable - despite - amount - exchange - experience - feelings

48. Tom borrowed a large of money from my uncle.
49. We decided to go out the bad weather.
50. If it's possible, I'd like to this for a larger size.
51. I didn't say anything to hurt his
52. She has a lot of in teaching English to children.
53. She gave me some very advice.

۲- تعریف ستون A را به کلمات ستون B وصل کنید. (یک کلمه اضافی است).

A

54. a large group of people who live together
55. to be different from each other
56. without taking any notice of
57. to form a thing, amount or number
58. the physical or mental power or skill to do something
59. one part in every hundred
60. the first language that you learn when you are a baby
61. a period of 100 years

B

- a mother tongue
- b percent
- c vary
- d native speaker
- e society
- f despite
- g make up
- h century
- i ability

۳- مترادف یا متضاد کلمات مشخص‌شده را از ستون مقابل پیدا کنید. (یک کلمه اضافی است).

- | | |
|--|-----------|
| 62. He lost his health, and <u>therefore</u> his problems increased. = | a late |
| 63. The number of people who die in car accidents is <u>surprising</u> . = | b pieces |
| 64. I wasn't <u>greatly</u> surprised to see her there. = | c area |
| 65. The train arrived ten minutes <u>early</u> . = | d amazing |

66. It was not so simple to write a letter in English. **e** very much
67. Please cut the watermelon into six slices. **f** available
68. He plans to begin the project later this week. **g** difficult
69. The bird comes back to this region every year. **h** finish
- i** so

۴- جمله‌های زیر را با نوشتن کلمات مناسب کامل کنید.

70. A(n) speaker is a person who speaks a language as their first language.
71. Will this amount of money your need?
72. This book will help you with both spoken and English.
73. His physical and health is getting worse.
74. They're always wearing other's clothes.
75. Email is becoming an important of communication.
76. He speaks English well but his mother is Chinese.
77. No how busy I become, I'll always have time for my children.

۵- گزینه صحیح را انتخاب کنید.

78. It can be difficult to with people if you don't speak their language.
- 1) explain 2) notice 3) experience 4) communicate
79. Feeding the animals is a(n) attraction for visitors to the farm.
- 1) possible 2) popular 3) honest 4) available
80. Close your eyes, and traveling through space.
- 1) pick 2) exchange 3) imagine 4) explain
81. They did research into the roles of men and women in today's
- 1) society 2) continent 3) difference 4) population
82. Her dad suddenly of a heart attack in 1892 at the age of 37.
- 1) existed 2) died 3) imagined 4) continued
83. Many of the world's cities have of more than 5 million.
- 1) amounts 2) grades 3) populations 4) societies
84. Do children know the between right and wrong?
- 1) notice 2) ability 3) experience 4) difference
85. It is difficult for Japanese people to speak English
- 1) fluently 2) nearly 3) absolutely 4) interestingly
86. Each year the world's population increases on average by two
- 1) century 2) amount 3) percent 4) slice
87. It was for him to take the photograph in the dark.
- 1) impossible 2) physical 3) smart 4) available

Lesson One

88. I'm going to ask you something, and I want you to be with me.
 1) deaf 2) valuable 3) honest 4) popular
89. Did you know that Asia and Africa are the two biggest in the world?
 1) countries 2) continents 3) societies 4) centuries
90. Which foreign language do you think is the easiest for English speakers to learn?
 1) available 2) simple 3) native 4) mental
91. I met two, one was from Canada, and the other from England.
 1) foreigners 2) societies 3) regions 4) mother tongues

B Grammar

اسامی قابل شمارش و غیرقابل شمارش Countable and Uncountable Nouns

- اسامی قابل شمارش اسامی‌ای هستند که همیشه شمرد و شکل مفرد و جمع دارد. قبل از اسامی قابل شمارش می‌شه از a, an و اعداد استفاده کرد.
- اسامی غیرقابل شمارش اسامی‌ای هستند که همیشه شمرد و شکل جمع ندارد و همیشه به صورت مفرد به کار می‌ره. پس S یا ES جمع نمی‌گیره.
- قبل از اسامی غیرقابل شمارش همیشه از a, an و اعداد استفاده کرد.

اسامی قابل شمارش	اسامی غیرقابل شمارش
a cup یک فنجان	coffee قهوه
an apple یک سیب	fruit میوه
two bottles دو بطری	water آب
ten cows ده گاو	meat گوشت
the car / the cars آن ماشین / آن ماشین‌ها	the weather هوا

- اسامی غیرقابل شمارش زیر رو یاد بگیرین:

water - milk - tea - coffee - juice - soup - bread - rice - meat - sugar - cheese - money - information - news - weather - paper
 homework - traffic - food - snow - rain - knowledge - air - music - cake - fruit - hair - time - chicken

- حواستون باشه پنج کلمه آخر، با توجه به معنی‌شون می‌تونن غیرقابل شمارش یا قابل شمارش باشن:

We ate some **chicken** for dinner.

ما مقداری (گوشت) مرغ برای شام خوردیم.

There are some **chickens** in the garden.

تعدادی هوه در باغ وجود دارند.

- قبل از اسامی قابل شمارش و غیرقابل شمارش از صفات کمی زیر استفاده کنین:

اسامی قابل شمارش جمع + صفات کمی	اسامی غیرقابل شمارش + صفات کمی
How many books ...? چندتا کتاب ...؟	How much money ...? چهقدر پول ...؟
many birds تعداد زیادی پرنده	much soup مقدار زیادی سوپ
a few eggs تعداد کمی تخم‌مرغ	a little bread مقدار کمی نان
few glasses تعداد کمی / اندکی لیوان	little milk مقدار کمی / اندکی شیر
a lot of goats تعداد زیادی بز	a lot of sugar مقدار زیادی شکر
lots of sandwiches تعداد زیادی ساندویچ	lots of rice مقدار زیادی برنج
some oranges تعدادی پرتقال	some juice مقداری آب‌میوه

● بعد از صفات کمی ستون دوم، همیشه از اسامی غیرقابل شمارش (که همیشه به صورت مفرد) به همراه افعال مفرد (is, was ...) استفاده کنید:
 There **is** some tea in the cup. مقداری چای در فنجان وجود دارد.

● حواستون باشه بعد از صفات کمی ستون اول و اعداد بیش از یک (two, three ...)، از اسامی قابل شمارش جمع به همراه افعال جمع (are, were ...) استفاده کنید:

There **are** some apples in the basket. تعدادی سیب در سبد وجود دارد.

● البته بعد از (one و an, a)، فقط باید از اسامی قابل شمارش مفرد به همراه افعال مفرد (is و was) استفاده کنید:

There **is** one / an apple in the basket. یک سیب در سبد وجود دارد.

● این رو هم بگم که در این مورد، فقط اگه اسم، فاعل فعلی مورد نظر باشد، مفرد و جمع بودن فعل مهمه.

This news is very good. This news makes him happy. این خبر خیلی خوبه است. این خبر او را خوشحال می‌کند.

He eats a few cookies and a little milk for breakfast. او تعداد کمی بیسکویت و مقدار کمی شیر برای صبحانه می‌خورد.

● some در جملات مثبت و برای بیان درخواست و تعارف در جملات سؤالی هم به کار می‌ره. حواستون باشه some در جملات منفی به کار نمی‌ره.
 I bought **some** flowers. تعدادی گل خریدم.

Would you like **some** coffee? قهوه میل دارید؟

● از «How much» برای بیان قیمت با اسامی قابل شمارش مفرد و جمع و اسامی غیرقابل شمارش که همیشه به شکل مفرد استفاده کنید:

How much **is** this camera? How much **does** this camera cost? قیمت این دوربین چه قدره است؟

اسم قابل شمارش مفرد فعل مفرد

How much **are** these shoes? How much **do** these shoes cost? قیمت این کفش‌ها چه قدره است؟

اسم قابل شمارش جمع فعل جمع

How much **is** the tea? How much **does** the tea cost? قیمت چای چه قدره است؟

اسم غیر قابل شمارش فعل مفرد

● اسامی غیرقابل شمارش، جمع بسته نمی‌شه ولی برای شمردن اونا می‌تونین از واحدهای زیر استفاده کنید:

bottle	بطری	two bottles of water / milk	دو بطری آب / شیر
cup	فنجان	four cups of tea / coffee	چهار فنجان چای / قهوه
glass	لیوان	some glasses of water / milk / juice	تعدادی لیوان آب / شیر / آب‌میوه
bag	کیسه	many bags of rice / sugar	تعداد زیادی کیسه برنج / شکر
kilo	کیلو	ten kilos of meat	ده کیلو گوشت
slice	تکه، قاچ، برش	a slice of melon / banana	یک قاچ خربزه / موز
piece	تکه، قطعه، برش	few pieces of cake / paper	تعداد کمی برش کیک / ورق کاغذ
loaf	قرص (نان)	a few loaves of bread	تعداد کمی نان

● از این واحدها برای اسامی قابل شمارش هم می‌تونین استفاده کنید:

I bought four kilos of **potatoes** and two kilos of **sugar**. چهار کیلو سیب‌زمینی و دو کیلو شکر خریدم.

● few و a few به معنی تعداد کمی است؛ با این تفاوت که few مفهوم منفی داره، به عبارتی تعداد کم است و کافی نیست (یعنی تقریباً هیچی وجود نداره) ولی a few مفهوم مثبت داره به عبارتی تعداد کم است ولی کافیه.

● little و a little به معنی مقدار کمی است؛ با این تفاوت که little مفهوم منفی داره. به عبارتی مقدار کم است و کافی نیست (یعنی تقریباً هیچی وجود ندارد) ولی a little مفهوم مثبت دارد به عبارتی مقدار کم است ولی کافیه.

They have **a little** money, so they're not poor. آنها مقدار کمی پول دارند بنابراین آنها فقیر نیستند.

They have **little** money. They are very poor. آنها مقدار کمی پول دارند. آنها خیلی فقیر هستند.

Lesson One



I've got a **few** friends, so I'm not lonely.

من تعداد کمی دوست دارم بنابراین من تنها نیستم.

I've got **few** friends. I'm lonely.

من تعداد کمی دوست دارم. من تنها هستم.

کلاس خصوصی

الان دقیقاً وقتشه بینیم چه نوع سوالایی از قسمت گرامر میار ... انواع سوالایی که همیشه طرح کرد به صورت زیره
 ۱- تست ۲- شکل صحیح اسم ۳- دانش گرامری ۴- کلمات به هم ریخته ۵- تصویر ۶- اشتباه گرامری ۷- سوال مناسب

📌 **تست** - هنگام پاسخ دادن به تست، مواظب به موارد زیر باشه:

◀ آگه جای قالی بعد از صفات کمی باشه:

● بعد از **How many, a few, many, a few, few** اسم قابل شمارش جمع به همراه فعل جمع میار. ولی بعد از **How much, a little, much, a little** اسم غیر قابل شمارش (که همیشه به صورت مفرد) به همراه فعل مفرد میار.

● **some, a lot of** و **lots of** آگه با فعل مفرد اومده باشه، اسم غیر قابل شمارش مفرد رو انتخاب کنین؛ ولی آگه با فعل جمع اومده باشه، اسم قابل شمارش جمع رو انتخاب کنین.

● بعد از **a, an** و **one**، از اسم قابل شمارش مفرد استفاده کنین.

◀ ولی آگه جای قالی قبل از اسم باشه:

● قبل از اسم غیر قابل شمارش، با توجه به معنی، گزینه **a lot of, a little, little, some, a little, lots of** رو انتخاب کنین. و قبل از اسم قابل شمارش جمع، با توجه به معنی، گزینه **How many, a few, many, a few, few, some, a lot of** رو انتخاب کنین.

● **few** و **little** هم که مفهوم منفی و ناکافی دارن، ولی **a few** و **a little** مفهوم مثبت و کافی دارن.

A Choose the best answer.

بهترین پاسخ را انتخاب کنید.

92. How much did you buy this morning?

- | | |
|-----------|---------------------|
| 1) orange | 2) kilos of oranges |
| 3) bread | 4) loaves of bread |

93. There are some on the table in the kitchen.

- | | | | |
|-----------|-------------|---------|----------------|
| 1) tomato | 2) tomatoes | 3) rice | 4) bag of rice |
|-----------|-------------|---------|----------------|

94. I have money, so we can go shopping if you want.

- | | | | |
|--------|----------|-----------|-------------|
| 1) few | 2) a few | 3) little | 4) a little |
|--------|----------|-----------|-------------|

95. We have information about that company.

- | | | | |
|----------|---------|-------|-------------|
| 1) a few | 2) many | 3) an | 4) a lot of |
|----------|---------|-------|-------------|

📌 **شکل صحیح اسم** - همون سه نکته اولی که در مورد تست گفتیم.

B Write the correct form of the nouns in brackets.

شکل صحیح اسامی داخل پرانتز را بنویسید.

96. They had a little (cheese), three (egg), a big (apple), some (bread), and two (glass) of milk for breakfast.

۳ دانش گرامری < با توجه به نکاتی که در مورد تست گفتیم، باید صفات کمی مناسب یا فعل مفرد و جمع رو انتخاب کنیم.

C Fill in the blanks with your own words. جاهای خالی را با دانش خود کامل کنید.

97. cups of coffee did you drink yesterday?

98. There a lot of fruit in the fridge this morning.

۴ کلمات به هم ریخته < مواستون باشه موقع مرتب کردن، بعد از How many و How much از اسم استفاره کتین مثل سؤال ۹۹ و آگه دو صفت کمی بین

کلمات به هم ریخته وجود داشت، صفات کمی رو به طور درست قبل از اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش بیارین مثل سؤال ۱۰۰.

D Unscramble the following sentences. جمله‌های درهم ریخته زیر را مرتب کنید.

99. many / milk / glasses / you / day / of / drink / how / do / every / ?

100. juice / orange / I / bought / sandwiches / and / you / a few / some / for / .

۵ تصویر < با توجه به تصویر، به سؤال پاسخ بدین. در مورد غیر قابل شمارش‌ها می‌تونین از واحدها (piece, kilo, cup, bottle, glass, loaf, slice) استفاره کتین.

E Look at the pictures and answer the questions. به تصاویر نگاه کنید و به سؤال‌ها پاسخ دهید.

101. How much melon did he eat?



102. How many children do they have?



۶ اشتباه گرامری < در این نوع سؤال، صفت کمی، مفرد و جمع بودن اسم، مفرد و جمع بودن فعل و هم‌پسین a و an درست به کار نرفته و باید با توجه به توضیحاتی که در مورد تست گفتیم، اونارو تصحیح کتین.

F Find the mistakes in the following sentences and correct them.

اشتباهات را در جملات زیر پیدا کنید و آن‌ها را تصحیح کنید.

103. Robert works in a old restaurant. He brings the food to the tables. He's a waiter.

104. I bought three big bottle of apple juice and a few oranges.

105. There's few coffee left. We need to buy some more.

۷ سؤال مناسب < با توجه به نوع اسمی که در پاسخ، بعد از صفات کمی وجود داره، برای اسم قابل شمارش مفرد یا جمع، از اسم قابل شمارش جمع + How many،

و برای اسم غیر قابل شمارش، از اسم غیر قابل شمارش مفرد + How much، استفاره کتین، مواستون باشه در جواب ممکنه اسم قابل شمارش مفرد داشته باشیم ولی در سؤال هتماً بعد از How many، از اسم جمع استفاره کتین.

آگه زیر some، lots of و a lot of فقط کشیده شده باشه، به بعد از اون‌ا نگاه می‌کنیم، آگه بعد از اون‌ا، اسم قابل شمارش اومده باشه، از How many استفاره کتین ولی آگه اسم غیر قابل شمارش اومده باشه، از How much استفاره کتین.

او چند دوست دارد؟ او تعداد زیادی دوست دارد. How many friends does she have? She has a lot of friends.

او چه قدر پول دارد؟ او مقدار زیادی پول دارد. How much money does she have? She has a lot of money.

G Make suitable questions for the following answers. برای پاسخ‌های زیر سؤال مناسب بنویسید.

106.?

My uncle gave me a glass of orange juice.

107.?

I need some information about the flight to Boston.

نمونه سؤال‌های امتحانی گرامر

۱- گزینه صحیح را انتخاب کنید.

108. I need money to buy English book.
 1) a little / a 2) some / an 3) a few / the 4) lot of / the
109. How did you get up before 7 o'clock yesterday?
 1) many times 2) much time 3) many time 4) much times
110. "How have you got?" "I've got 100 dollars."
 1) many dollar 2) many money 3) much dollar 4) much money
111. We only have carrots. We should go and buy some more.
 1) much 2) a lot of 3) a few 4) a little
112. I'm sorry, I can't pay for your lunch. I have money.
 1) a lot of 2) some 3) few 4) little
113. There some on the table in the kitchen.
 1) are / apple 2) is / apple 3) is / meat 4) are / meat
114. Martin didn't eat much for lunch - only an and some
 1) apples / juice 2) sandwich / milk 3) orange / bread 4) chicken / eggs
115. My mother gave a of milk and a few of bread to Helen.
 1) piece / bag 2) slice / kilos 3) glass / loaf 4) bottle / loaves

۲- شکل صحیح اسامی داخل پرانتز را در جاهای خالی بنویسید.

116. How much was there in these last year? (rain / village)
117. "How many do you and Tony have?" "We have only one" (child)
118. I ate a few with a little (banana / meat)
119. Let's get a lot of and some juice for dinner. (rice / orange)
120. There were some of cake in the kitchen last night. (slice)

۳- هر جمله را با استفاده از دانش گرامری خود کامل کنید.

121. How hours do you sleep every day?
122. How milk do you need for the cake?
123. How is this watch? 20 000 Tomans.
124. We have bread. It is not enough for dinner.
125. There a lot of snow on the road three days ago.
126. "..... water do you need to water the flowers?" "A little".

۴- با هر گروه از کلمات زیر یک جمله کامل بنویسید.

127. people / did / many / birthday / you / party / to / your / invite / how / ?

128. much / human / is / there / in / the / how / body / blood / ?

.....

129. my / drinks / two / small / morning / glasses / of / father / water / every / .

.....

130. information / agent / gave / us / some / city / travel / the / about / the / .

.....

131. much / coffee / do / you / sugar / put / in / your / how / ?

.....

132. not / warm / week / have / we / much / weather / did / this / .

.....

۵- با توجه به تصاویر، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

133. How many glasses of milk did you drink?

.....



134. How many daughters does your older brother have?

.....



135. How much bread is he going to buy?

.....



136. How much tea did your mother drink this morning?

.....



۶- در هر جمله یک کلمه اشتباه به کار رفته است. زیر کلمه نادرست خط بکشید و صحیح آن را بنویسید.

137. How many loaf of bread did mum buy?

138. How many time does it take you to paint my room?

139. Look! There is a few mice on the roof.

140. Joe is always angry. That's why he has few friend.

141. How much languages can your little sister speak? She can speak only English.

Lesson One

۷- برای پاسخ‌های زیر یک سؤال مناسب بنویسید.

142. ?

He ate a slice of cake last night.

143. ?

There is a little water in this bottle.

144. ?

We saw some monkeys at the zoo last week.

145. ?

There was some orange juice in the bottle.



Conversation

Babak Saberian is a translator who works for IRIB . Today, he is hosting Meysam in his office. Meysam is a high school student. He is interviewing Mr. Saberian for his school project.

بابک صابریان مترجمی است که برای صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران کار می‌کند. امروز او در دفترش میزبان میثم است. میثم دانش‌آموز دبیرستانی است. او دارد برای پروژه مدرسه‌اش با آقای صابریان مصاحبه می‌کند.

Meysam: Thank you Mr. Saberian for inviting me to your office. *آقای صابریان از این‌که من رو به دفترتان دعوت کردید متشکرم.*

Mr. Saberian: You're welcome! *خواهش می‌کنم.*

Meysam: I heard you know three languages. Is that right? *شنیده‌ام شما سه زبان بلدید. درست‌ه؟*

Mr. Saberian: Well, actually four languages. *قُب، در واقع چهار زبان.*

Meysam: Four! Really? What languages do you know? *چهار! واقعا؟ چه زبان‌هایی بلدید؟*

Mr. Saberian: Besides my mother tongue, Persian, I know English, French and Russian well. *علاوه بر زبان مادری‌ام، فارسی، من انگلیسی، فرانسوی و روسی رو به خوبی بلدم.*

Meysam: Interesting! And when did you learn them? *جالبه! و کی آن‌ها رو یاد گرفتید؟*

Mr. Saberian: I began learning English at school when I was thirteen. Then I began learning French in a language institute when I was fifteen. And I learned Russian when I was a university student in Moscow.

من یادگیری انگلیسی رو وقتی سیزده سال داشتم در مدرسه شروع کردم. بعد وقتی پانزده سال داشتم یادگیری فرانسوی رو در آموزشگاه زبان شروع کردم. و وقتی در مسکو دانشجوی دانشگاه بودم روسی رو یاد گرفتم.

Meysam: Can you use all of them fluently? *آیا می‌تونید از همه آن‌ها به راحتی استفاده کنید؟*

Mr. Saberian: I know all of them well, but I use English more. *من همه آن‌ها رو خوب بلدم ولی از انگلیسی بیشتر استفاده می‌کنم.*

Meysam: OK. Do you think language learning should start as early as possible? *بسیار قُب، آیا فکر می‌کنید یادگیری زبان باید هر چه زودتر شروع بشه؟*

Mr. Saberian: My experience says interest and hard work are really more important than age. *تجربم میگه علاقه و سفت‌کوشی واقعا از سن مهمتره.*

Meysam: Hmm... that's an important point. May I know what your favorite language is? English, French, or Russian?

او... نکته مهمیه! ممکنه بدونم زبان مورد علاقه شما چیه؟ انگلیسی، فرانسوی یا روسی؟

Mr. Saberian: To be honest, I enjoy using them all, but my favorite language is absolutely my mother tongue!

راستش، من از به کار بردن همه آن‌ها لذت می‌برم. اما زبان مورد علاقه‌ام قطعاً زبان مادری‌ام است!

A Answer the following questions.

به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

146. What does Mr. Saberian's guest do?

147. How did Mr. Saberian learn French?

B Choose the correct answer.

گزینه درست را انتخاب کنید.

148. Mr. Saberian's first language is _____.

- 1) English 2) French 3) Russian 4) Farsi

149. Mr. Saberian learned _____ when he was studying in a foreign country.

- 1) English 2) French 3) Russian 4) Persian

C True or False?

درست یا نادرست؟

150. Mr. Saberian is a Persian native speaker.

- A) True B) False

151. Mr. Saberian can speak three foreign languages besides English.

- A) True B) False

نمونه سؤال امتحانی مکالمه

Richard is an English teacher. He is interviewing his student, Sei-ichi Yamada. Complete the following conversation using the given sentences.

ریچارد معلم انگلیسی است. او دارد با دانش‌آموزش سی‌ای‌چی یامادا مصاحبه می‌کند. مکالمه زیر را با استفاده از جملات داده‌شده کامل کنید.

Richard: Hi, could I ask some questions about your language learning experience?

152. Sei-ichi: _____

Richard: OK, Sam is easy to remember. What languages do you speak?

153. Sei-ichi: _____

Richard: How well is your English language ability?

154. Sei-ichi: _____

Richard: How did you learn English?

155. Sei-ichi: _____

Richard: And when did you start learning French?

156. Sei-ichi: _____

Richard: Do you have any foreign friends here?

157. Sei-ichi: _____

Richard: Well, thank you so much.

158. Sei-ichi: _____

Lesson One

- a I started learning French at school four years ago.
- b Hmm, let's see, I began learning English in a language institute when I was seven.
- c Well, Japanese is my mother tongue and I speak English and French.
- d You're welcome.
- e Well, my English reading, speaking and listening skills are very good but I'm weak at writing.
- f Sure, I am Sei-ichi Yamada. You can call me Sam.
- g Yes, I made friends with some native English speakers and I practice English with them.

D Reading

Reading Strategy

روش Scanning (نگاه اجمالی انداختن)

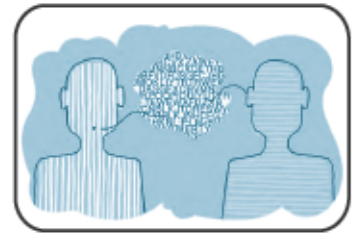
برای پاسخ دادن به سؤالی درک مطلب باید بتونین سریع کلمات کلیدی موجود در سؤال رو در متن پیدا کنین. برای سریع پیدا کردن کلمات کلیدی موجود در متن، مثل اعداد، اسامی، کلمات یا عبارتهای خاص، باید نگاه اجمالی به متن بندازین. برای این کار مراحل زیر رو دنبال کنین:

- ۱- تصویر واضحی از آنچه می‌خوانین دنبالش بگردین، یعنی کلمات کلیدی رو در ذهنتون داشته باشین.
 - ۲- دنبال کلمات کلیدی بگردین. برای این کار چشماتون رو سریع از روی متن بلغزونین. کلمه به کلمه نخونین بلکه عبارت به عبارت یا جمله به جمله بخونین.
 - ۳- وقتی کلمات کلیدی رو پیدا کردین، برای پاسخ دادن به سؤال مربوطه، باید با دقت اون جمله و بعضی مواقع جمله قبل و بعدش رو بخونین.
- ← پاسخ تشریحی سؤالی درک مطلب رو با دقت بخونین تا متوجه بشین که با استفاده از این تکنیک خیلی ساده یعنی «scanning» به راحتی می‌تونین به اکثر سؤالات پاسخ بدین.

Languages of the World

Language is a system of communication. It uses written and spoken forms. People use language to communicate with each other in a society. They exchange knowledge, beliefs, wishes, and feelings through it.

Languages vary greatly from region to region. They are so different that a person may not understand the language of someone from another region, country or continent. It is not surprising to hear that today about 7000 languages exist in the world. There are more than 2000 languages in Africa, 1000 in the Americas, more than 2250 in Asia, about 230 in Europe, and more than 1300 in Oceania.



Native speakers of these languages range in number from very large, with hundreds of millions of speakers, to very small, with fewer than 10 speakers. The most popular language in the world is Chinese. More than one billion people in the world speak Chinese. Interestingly, English does not have this number of native speakers, but it has around one billion learners around the world. They learn English as an international language.

About fifty percent of the world's languages have fewer than 5000 speakers. In the beginning of the twenty-first century, 204 languages had fewer than 10 speakers and 344 languages had between 10 and 99 speakers. The 548 languages with fewer than 99 speakers make up nearly 8 percent of the world's languages. We call them "endangered languages". As the speakers of such languages grow old and die, their languages will die, too.

All languages are really valuable, despite their differences. Every language is an amazing means of communication that meets the needs of its speakers. It is impossible to imagine the world without language. Therefore, we should respect all languages, no matter how different they are and how many speakers they have.

A Choose the correct answer.

گزینه درست را انتخاب کنید.

159. Africa has fewer languages than

- 1) Oceania 2) Americas 3) Asia 4) Europe

160. We understand from the passage that there are more than languages in Africa and Asia.

- 1) 7000 2) 2000 3) 2250 4) 4250

161. We understand from the passage that about one billion people around the world are

- 1) Chinese learners 2) Chinese native speakers
3) English native speakers 4) English learners

162. According to the passage, which one is NOT correct?

- 1) About 3000 languages in the world have fewer than 5000 speakers.
2) About 548 languages are endangered.
3) Chinese has the largest number of native speakers in the world.
4) About 8 percent of the world's languages have fewer than 99 speakers.

B True or False?

درست یا نادرست؟

163. There are 1000 languages in North America.

- A) True B) False

164. Oceania has the fewest number of languages in the world.

- A) True B) False

165. Some languages have fewer than 10 speakers.

- A) True B) False

166. People can exchange only knowledge by means of language.

- A) True B) False

167. Every language can meet the needs of other native speakers.

- A) True B) False

C Answer the following questions.

به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

168. What do people use to communicate with each other?

.....

169. Why can't people understand all languages?

.....

170. Which continent has the most languages in the world?

.....

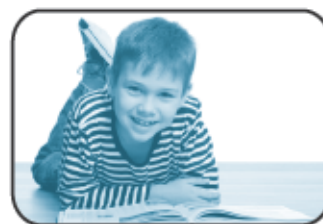
نمونه سؤال‌های امتحانی خواندن

A: Cloze Test

Read the following passage and then choose the correct answers. متن زیر را بخوانید و سپس پاسخ‌های درست را انتخاب کنید.

The first language you learn to speak is called your native language. As a baby, you listened to your parents or other people speaking and then told the sounds you heard. Babies seem to be born with an171..... to learn the language they hear.

Native speakers learn as children to use the right words and say them in the right order without even thinking about it. If English is your172..... language, you know automatically that "I going bed" is wrong, but "I am going to bed" is right.



Lesson One

If you learn a second language, you have to learn its words and173..... . That's why learning a second language can be difficult. Young children can learn a new language very easily. If they are among people speaking a different language, they soon learn to speak it174..... their native language. But as people grow older, it becomes more difficult to learn new175..... . People lose the ability to learn the grammar, words and the sounds of another language.

171. 1) notice 2) ability 3) space 4) experience
172. 1) second 2) sign 3) native 4) foreign
173. 1) tongues 2) differences 3) feelings 4) rules
174. 1) besides 2) by 3) despite 4) through
175. 1) projects 2) amounts 3) languages 4) foreigners

B: Reading Comprehension

Read the following passage and then answer the questions.

متن زیر را بخوانید و سپس به سؤال‌ها پاسخ دهید.

English has not always been the most popular language in the world. In the middle ages, people spoke Latin when they didn't understand each other's language. In the 16th, 17th and 18th centuries, people spoke French. But today, at the start of the 21st century, About one billion people around the world speak English as an international language.



Around 400 million speakers speak English as a first language in Australia, Britain, Canada, Ireland, New Zealand, South Africa and the USA. About 400 million people speak it in countries like Ghana, India, Nigeria and Singapore as the language of government, education and business. In most of the other countries, it's the most important foreign language that children will learn at school, because it's important for tourism, international business, entertainment and the Internet. So now about more than one billion people speak English.

How did this happen? English is not a simple language to learn. Its spelling and grammar are difficult. In the 18th century, Britain was a powerful nation and it made some countries learn English. In the 20th century, the USA made people all over the world become familiar with English through newspapers, television and films. It's now the common language for international travel, science, information technology and the Internet.

But it's important to remember that English has borrowed some words from many other languages. For example, it has borrowed kindergarten from German, restaurant from French, and zero from Arabic.

A Choose the correct answer.

گزینه درست را انتخاب کنید.

176. We understand from the passage that now is an international language.

- 1) English 2) French 3) Latin 4) Arabic

177. According to the passage, which sentence is TRUE?

- 1) English has more than one billion native speakers.
2) English is the mother tongue of around 400 million people.
3) Only Americans speak English as their native language.
4) English is the first language of the people who are living in Singapore.

178. According to the passage, which one is NOT correct?

- 1) Both Britain and the USA made people become familiar with English.
- 2) English is important only for tourism.
- 3) English spelling and grammar are not easy to learn.
- 4) Now, English is the most important foreign language.

B True or False?

درست یا نادرست؟

179. People spoke French from 16th to 18th century when they didn't understand each other's language.

- A) True B) False

180. English is the mother tongue in Ghana and Nigeria.

- A) True B) False

181. It is hard for people to learn English as a second language.

- A) True B) False

C Answer the following questions.

به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

182. In what countries do people speak English as their mother tongue?

183. When did Britain make some countries learn English?

184. Did English borrow any words from other languages? If yes, write the names of the countries.

E Pronunciation

استرس (تکیه = فشار صوت) Stress

در زبان انگلیسی کلمات تک‌هجایی استرس ندارند؛ ولی در کلمات بیش از تک‌هجایی، فقط یک هجا با استرس یعنی با فشار بیشتری از بقیه هجاها تلفظ می‌شود.

در فرهنگ لغت انگلیسی، برای نشان دادن استرس از علامت استرس (') استفاده می‌کنند.

برای تشخیص تعداد هجا یا سیلاب در کلمه نیز کافیست بدونی که به ازای هر واکه (حرف صدادار)، یک هجا وجود دارد. مثلاً در کلمه twenty.

دو واکه «e = ای» و «i = ای» وجود دارد. پس دو هجاییه و علامت استرس نیز همون‌طور که می‌بینی روی بخش اول قرار دارد: twenty /'twenti/

اعدادی که به (ty) ختم می‌شوند، استرس همیشه روی هجای اوله؛ یعنی هجای اول با فشار بیشتری نسبت به هجای دوم تلفظ می‌شود:

twenty - thirty - forty - fifty - sixty - seventy - eighty - ninety

اعدادی که به «teen» ختم می‌شوند، در حالت عادی، استرس روی بخش آخر یعنی روی «teen» است:

thirteen - fourteen - fifteen - sixteen - seventeen - eighteen - nineteen

Did you say **sixty** or **sixteen**?

اعدادی که به «teen» ختم می‌شوند وقتی در جمله به کار میرند، دو حالت دارند:

۱- وقتی به تنهایی میان، یعنی قبل از کلمه دیگری نباشند، استرس روی بخش آخر یعنی روی «teen» است:

A: How old are you? B: I'm **eighteen**.

۲- ولی وقتی قبل از کلمه دیگری میان، استرس روی هجای اوله:

A: How old are you? B: I'm **eighteen** years old.

fifteen people - **seventeen** heavy boxes - **nineteen** old men

نمونه سؤال امتحانی تلفظ

در جمله‌های زیر، هجای تکیه‌دار اعداد را مشخص کنید.

185. He had only eighteen dollars.
 186. Today she's ninety.
 187. I bought fourteen notebooks and twenty pens.
 188. Reza: How many books do you need? Ali: I need only thirteen.
 189. Reza: How many books do you need? Ali: I need only thirteen books.
 190. My friend is nineteen years old but his grandfather is seventy.
 191. I left school when I was seventeen.
 192. His father passed away at the age of fifty.
 193. A: He has sixteen books. B: How many? A: Sixteen.
 194. A: What time is it? B: It's five fifteen.

F Writing

جمله ساده Simple Sentence

در زبان انگلیسی هر جمله ساده حداقل باید یک فاعل و فعل داشته باشد. در چنین جمله‌هایی، فعل جمله، لازم است و به مفعول نیاز ندارد.

فعل لازم (ناگذرا) + فاعل

Mahan is sleeping.

فاعل فعل

ماهان خوابیده است.

The bird does not sing.

فاعل فعل

آن پرنده آواز نمی‌خواند.

چنانچه فعل جمله، متعدی باشد، بعد از فعل، مفعول لازم داریم.

برخی از افعال متعدی یک مفعول دارند:

مفعول + فعل متعدی (گذرا) + فاعل

The kids are drinking milk.

فاعل فعل مفعول

بچه‌ها دارند شیر می‌خورند.

Mahdi visited his doctor.

و برخی دیگر دو مفعول دارند. در این حالت، اول مفعول انسان بعد مفعول غیرانسان می‌آید:

مفعول مستقیم (غیرانسان) + مفعول غیرمستقیم (انسان) + فعل متعدی + فاعل

My mother bought Helen some books.

فاعل فعل مفعول مفعول

مادرم برای هلن تعدادی کتاب خرید.

Mark gave me a glass of water.

مارک یک لیوان آب به من داد.

ولی اگر بخوایم اول مفعول غیرانسان بعد مفعول انسان بیاریم، قبل از مفعول انسان، باید از حرف اضافه (to یا for) استفاده کنیم:

مفعول غیرمستقیم (انسان) + to / for + مفعول مستقیم (غیرانسان) + فعل متعدی + فاعل

My mother bought some books for Helen.

فاعل فعل مفعول حرف اضافه مفعول

مادرم برای هلن تعدادی کتاب خرید.

Mark gave a glass of water to me.

مارک یک لیوان آب به من داد.

ترتیب اومدن قیدها در جمله به صورت زیره:

قید زمان + قید مکان + قید حالت + فعل متعدی + قید تکرار + فاعل

Her sister often studies English carefully in the library on Sundays.

فواهرش اغدب یکشنبه‌ها در کتابخانه با دقت انگلیسی می‌فواند.

فاعل قید تکرار فعل اصلی قید تکرار قید مکان قید حالت مفعول فعل متعدی قید زمان

قید زمان رو می‌شه در ابتدای جمله نیز آورد:

Yesterday we saw our teacher in the street.

دیروز معلم‌مان را در خیابان دیدیم.

فاعل قید زمان فعل فاعل قید مکان مفعول فعل متعدی

اگه فعل جمله، to be باشد، ترتیب کلمات به صورت زیره:

قید زمان + قید مکان + متمم + قید تکرار + فعل to be + فاعل

My English teacher is always at school on Mondays.

معلم انگلیسی‌ام همیشه در مدرسه‌ها در مدرسه است.

فاعل قید زمان قید مکان قید تکرار فعل to be فاعل

Those women are teachers at our school.

آن خانم‌ها در مدرسه ما معلم هستند.

فاعل قید مکان متمم فعل to be فاعل

فاعل انجام‌دهنده عملی است و در ابتدای جمله، قبل از فعل میاد. برای تشخیص فاعل کافیسیت بپرسیم چه کسی یا چه چیزی انجام‌دهنده کاری است یا این که جمله درباره چه کسی یا چه چیزی است. در جمله زیر، چه کسی عمل کمک‌کردن را انجام داده؟ (آن پسر) و در جمله دوم، جمله درباره چه کسی است؟ (مریم).

فاعل جمله یک اسم است که به جای اسم می‌شه از ضمیر فاعلی نیز استفاده کرد.

The boy helped Mina. = He helped her.

آن پسر به مینا کمک کرد. او به او کمک کرد.

ضمیر مفعولی ضمیر فاعلی مفعول فعل فاعل

Maryam is a smart student. = She is a smart student.

مریم دانش‌آموز باهوشی است. او دانش‌آموز باهوشی است.

ضمیر فاعلی متمم فعل فاعل

فعل جمله، انجام‌گرفتن عملی یا وجود حالتی رو نشون میدم. برای تشخیص آن نیز کافیسیت بگیم فاعل چه عملی رو انجام داده یا این که جمله درباره فاعل چی می‌گه. در جمله بالا می‌گیم فاعل (آن پسر) چه عملی رو انجام داده؟ (عمل کمک‌کردن). پس helped فعله.
مفعول کلمه‌ای است که عملی بر روی آن انجام شده و بعد از فعل یا حرف اضافه میاد. برای تشخیص آن نیز کافیسیت بگیم چه کسی یا چه چیزی فعل بر رویش انجام شده. در جمله بالا می‌گیم چه کسی عمل کمک‌کردن بر رویش انجام شده؟ (مینا)، پس Mina مفعوله.

کلاس خصوصی

چه نوع سوالایی از قسمت نگارش میار؟

۱- کلمه ناقص ۲- کلمه نامعنا ۳- اضافه‌کردن کلمه به جمله ۴- کلمات بهم‌ریخته ۵- سوال مناسب

کلمه ناقص: سوال‌های کلمه ناقص به دو صورت:

در بخش املا یک تا سه حرف از کلمه مورد نظر حذف می‌شه. حرف‌ها بر اساس قواعد زیر حذف می‌شن؛ پس لظن موقع تمرین املا به جای پندیرن بار نوشتن کلمه، هواستون به قواعد زیر باشه و حساب‌شده تمرین کنین؛

written - difference

دو حرف یکسان در کلمه

juice - sign - foreigner

حروفی که تلفظ نمی‌شوند

region - century

حروفی که هر دیگری تلفظ می‌شوند

available - popular

حروف سدادار (a - e - i - o - u):

Lesson One

A Write the missing letters.

حروف جاافتاده را بنویسید.

195. People use lang __ _ ge to co __ _ unicate with each other in so _ i _ ty.
 196. B __ _ ides my mother ton __ _ e, Per __ _ an, I know French and Ru __ _ ian well.
 197. All languages are really val __ _ ble, desp __ _ te their di __ _ erences.
 198. It is imp __ _ s __ _ ible to ima __ _ ine the world wi __ _ hout language.
 199. People e __ _ change knowle __ _ ge, bel __ _ fs, wishes, and fe __ _ lings thro __ _ gh language.
 200. I learned Russian in a language inst __ _ t __ _ te when I was a univer __ _ ity student in Mos __ _ ow.

⊙ با توجه به مفهوم جمله، باید کلمه به هم ریخته رو حدس بزنیم.

B Unscramble the given words.

کلمات به هم ریخته را مرتب کنید.

201. Don't forget to (nutr) off all the lights before going to bed.
 202. The ages of the students in the class (rgean) from 18 to 23.
 203. This kind of plant grows only in hot (sgieonr).
 204. Do you believe that life (ixsset) on other planets?
 205. More than 70 (pnteerc) of the country's population is younger than 25.
 206. I believe that (talemn) exercise is as important as physical exercise for young children.

⊙ **کلمه ناهاهنگ** ← بر اساس نوع کلمه (فاعل، مفعول، فعل، قید تکرار، قید حالت، قید مکان و قید زمان)، و هم‌پسین بر اساس اسم قابل شمارش و غیر قابل شمارش، کلمه ناهاهنگ رو مشخص کنید. در بعضی موارد نیز ممکنه از شما بخوان بر این اساس، اونارو در جدولی طبقه‌بندی کنید.

برای پاسخ‌دادن به سؤال کلمه ناهاهنگ، هواستون به نکات زیر باشد.

⊙ فاعل و مفعول می‌تونن به صورت اسم یا ضمیر باشن.

I, you, she, he, it, we, they

ضمایر فاعلی:

me, you, her, him, it, us, them

ضمایر مفعولی:

⊙ اسم یا گروه اسمی با توجه به جایگاهشون در جمله، می‌تونن فاعل یا مفعول باشن.

the children - the birds - my little dog - Helen - his friend - our older brother - the tree - Jane and I

My sister helped John. She helped him.

فواهرم به جان کمک کرد. او به او کمک کرد.

فاعل ضمیر مفعولی ضمیر فاعلی مفعول

John helped my sister. He helped her.

جان به فواهرم کمک کرد. او به او کمک کرد.

فاعل ضمیر مفعولی ضمیر فاعلی مفعول

⊙ فعل‌ها در زمان‌های مختلف، شکلی متفاوتی دارن.

write - writes - wrote - am writing - is writing - are writing - was writing - were writing - will write - can write

⊙ پند مثال از قیدای حالت:

carefully - quickly - quietly - slowly - loudly - happily - well - hard - fast - late - early

⊙ پند مثال از قیدای مکان:

in the park - at school - here - there - over there - outside - inside - near the house - in front of the house

⊙ پند مثال از قیدای زمان:

today - yesterday - last week - few months ago - tomorrow - soon - next week - now - recently - yet

⊙ پند مثال از قیدای تکرار:

never - sometimes - often - usually - always

C Choose the odd one out.

گزینه ناهماهنگ را انتخاب کنید.

- | | | | |
|----------------|------------------|-----------|------------------|
| 207. 1) I | 2) he | 3) you | 4) we |
| 208. 1) sadly | 2) friendly | 3) well | 4) fast |
| 209. 1) Sunday | 2) recently | 3) soon | 4) two years ago |
| 210. 1) often | 2) late | 3) always | 4) sometimes |
| 211. 1) swims | 2) were swimming | 3) swam | 4) swimming |
| 212. 1) juice | 2) information | 3) orange | 4) weather |

۳ اضافه کردن کلمه به جمله ← بر اساس جایگاه انواع کلمات در جمله، باید کلمات داخل پرانتز رو به جمله اضافه کنیم. برای پاسخ دادن به این نوع سؤال، ابتدا باید نوع کلمه داخل پرانتز رو تشخیص بدیم (فاعل، مفعول، فعل، قید تکرار، قید حالت، قید مکان و قید زمان)، سپس بر اساس ساختاری که در بخش نگارش آوردیم باید جایگاهش رو در جمله مشخص کنیم.

D Put the words in brackets in the correct places.

کلمات داخل پرانتز را در جاهای مناسب بنویسید.

213. You should teach English at home tonight. (him)
 214. Did your younger brother do a lot of homework in his room yesterday morning? (carelessly)

۴ کلمات به هم ریخته ← بر اساس ساختاری که در بخش نگارش آوردیم، باید ترتیب کلمات به هم ریخته رو مشخص کنیم.

E Unscramble the following sentences.

جمله‌های درهم ریخته زیر را مرتب کنید.

215. you / your / do / friends / with / school / help / homework / usually / Monday / their / at / every / ?

216. is / to / buy / a / new / he / tomorrow / you / going / bicycle / .

۵ سؤال مناسب ← بر اساس نوع کلمه‌ای که زیرش خط کشیده شده، از کلمه پرسشی مناسب به باش در ابتدای جمله استفاده کنیم. سپس آنگاه از کلمه پرسشی به پای اولین کلمه یا کلمات جمله در این استفاده می‌کنیم، هیچ تغییری نمی‌دین ولی آنگاه به پای کلمات دیگر جمله در این استفاده می‌کنیم، باید بقیه جمله رو نیز سوالی کنیم. برادر رضا به مینا کمک کرد.

آنگاه زیر اولین کلمه (در این‌ها Reza's که مالک است) خط کشیده باشن، از whose استفاده کنیم و نیازی نیست بقیه جمله رو سوالی کنیم،

Whose brother helped mina? برادر چه کسی به مینا کمک کرد؟

آنگاه زیر اولین کلمه یا کلمات (در این‌ها Reza's brother که فاعل انسانه) خط کشیده باشن، از Who استفاده کنیم و نیازی نیست بقیه جمله رو سوالی کنیم،

Who helped Mina? چه کسی به مینا کمک کرد؟

ولی آنگاه خط زیر اولین کلمه نباشه (در این‌ها Mina که مفعول انسانه)، از Who یا Whom استفاده کنیم و بقیه جمله رو باید سوالی کنیم،

Whom did Reza's brother help? برادر رضا به چه کسی کمک کرد؟

برای فاعل انسان از who، فاعل غیرانسان از what، مفعول انسان از who(m)، مفعول غیرانسان از what، فعل از what، قید حالت از how، قید مکان از where، قید زمان از when و قید تکرار از how often استفاده کنیم.

F Make suitable questions for the following answers.

برای پاسخ‌های زیر سؤال مناسب بنویسید.

217.?

I saw a lot of people in the shop yesterday morning.

218.?

We always meet her at the train station on Tuesdays.

نمونه سؤال‌های امتحانی نگارش

۱- کلمات داخل پرانتز را در جاهای مناسب بنویسید.

219. She is going to bake some cookies today. (us)
 220. The man looked at me angrily this morning. (at the zoo)
 221. Jack has his breakfast in the kitchen. (often / quickly)
 222. Walter is at school on Wednesday afternoon. (always)
 223. Could your sister speak three foreign languages two years ago? (well)
 224. While my uncle was driving to the train station, the accident happened. (you)

۲- جمله‌های درهم‌ریخته زیر را مرتب کنید.

225. year / will / holiday / spend / our / at / not / home / next / we / .

.....

226. people / well / than / speak / more / three / can / few / languages / .

.....

227. you / is / not / to / send / a / going / week / letter / next / she / .

.....

228. older / watch / gave / night / brother / him / an / expensive / last / my / .

.....

229. I / me / reading / a / you / when / carefully / newspaper / was / called / .

.....

۳- برای پاسخ‌های زیر سؤال مناسب بنویسید.

230. ?

We will go to the laboratory on Tuesday afternoon.

231. ?

My aunt spent a lot of time translating the letter last night.

232. ?

My sister spoke German very well in the museum this morning.

233. ?

Millions of people visit the national park every year.

234. ?

The cats were sleeping in the garden yesterday morning.

پاسخ نامه تشریحی

- منطقه، مکانه ولی بقیه به ترتیب (علف، گل و گیاه) هستند.
- ترکیه اسم یک کشوره ولی بقیه به ترتیب (عربی، روسی و آلمانی) اسم زبانن.
- آبمیوه مایع است ولی بقیه به ترتیب (شکر، برنج و گوشت) جامدن.
- روسیه اسم یک کشوره ولی بقیه به ترتیب (آفریقا، آمریکای شمالی و اروپا) اسمای قاره هستن.
- language به معنی زبانه ولی بقیه به ترتیب (آموزشگاه، دبیرستان و آزمایشگاه) مکانن.
- کاتلدایی فقط اسم یک ملیت است ولی بقیه به ترتیب (ایتالیایی، اسپانیایی و یونانی) هم اسم ملیت و هم اسم زبانن.
- (زبان اشاره)
- (ناشنوا)
- (ارتباط برقرار کردن)
- (درصد)
- (پارکینگ)
- (قرن)
- (برش، تکه، قاچ)
- (علف)
- (قاره)
- (گوشت)
- (آبمیوه)
- (شمع)
- زبان مادری هم کلاسی ام انگلیسی است.
- عمه اش قصد دارد برای یادگیری زبان فرانسوی به آموزشگاه زبان برود.
- من امروز صبح برای صبحانه یک نان خریدم.
- این پسرهای ناشنوا الان دارند با استفاده از زبان اشاره با یکدیگر صحبت می کنند.
- راستش را بخواهی
- از طریق ابزار ارتباطی
- نیازهای گویشوران خود را برآورده کردن
- از حیوانات عکس گرفتن
- آلمانی زبان
- قیمت برخی غذاهای دریایی از هفته ای به هفته دیگر فرق می کند.
- الان ماشین ها در قیمت های بسیار مختلفی موجود هستند.
- شما باید یادگیری زبان فرانسوی را هر چه زودتر شروع کنید.
- آن پسر هیچ توجهی به توصیه پدرش نکرد.
- قطعاً کار کردن با این همه سروصدا غیرممکن است.
- ۱۲۰ دانش آموز که سن شان از ۱۰ تا ۱۸ (سال) متفاوت بود در کلاس بودند.
- region - ۱
- Turkey - ۲
- juice - ۳
- Russia - ۴
- language - ۵
- Canadian - ۶
- sign language - ۷
- deaf - ۸
- communicate - ۹
- percent - ۱۰
- parking lot - ۱۱
- century - ۱۲
- slice - ۱۳
- grass - ۱۴
- continent - ۱۵
- meat - ۱۶
- juice - ۱۷
- candle - ۱۸
- mother tongue - ۱۹
- language institute - ۲۰
- loaf of bread - ۲۱
- sign language - ۲۲
- (e) - ۲۳
- (f) - ۲۴
- (a) - ۲۵
- (c) - ۲۶
- (d) - ۲۷
- vary - ۲۸
- available - ۲۹
- possible - ۳۰
- notice - ۳۱
- گزینه «۲» - ۳۲
- گزینه «۲» - ۳۳
- to be honest with you
- by means of communication
- meet the needs of its speakers
- take a photograph of animals
- a native speaker of German

	«به خاطر کمک کردن، بسیار زیاد متشکرم.» «خواهش می‌کنم.»	welcome - ۳۴
	هوا داره تاریک می‌شه. ممکنه لطفاً لامپ را روشن کنید؟	turn - ۳۵
	یکی از هفت منطقه اصلی خشکی بر روی کره زمین مثل آفریقا، آسیا یا اروپا، قاره نامیده می‌شود.	continent - ۳۶
	یک فرد خارجی شخصی از یک کشور دیگر است.	foreigner - ۳۷
	(منطقه، ناحیه) بخشی از یک کشور یا جهان	region - ۳۸
	(جمعیت) تعداد افرادی که در یک مکان زندگی می‌کنند	population - ۳۹
	خانه‌ها و ماشین‌ها از آسمان خیلی کوچک به نظر می‌رسیدند.	big - ۴۰
tiny کوچک = big بزرگ		
	ما تقریباً به مدت دو سال آن‌جا زندگی کردیم.	about - ۴۱
nearly = about تقریباً		
	راستش را بخواهی، فکر نمی‌کردم انگلیسی‌اش خیلی خوب باشد.	honest - ۴۲
	برخی حیوانات مثل گاو و گوسفند علف می‌خورند.	grass - ۴۳
	عمومیت علاوه بر انگلیسی به دو زبان (دیگر) صحبت می‌کند.	besides - ۴۴
	آن‌ها حدود ۱۲ / ۵ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند.	make up - ۴۵
	این جعبه‌ها از نظر اندازه از کوچک تا بزرگ با هم فرق دارند.	vary - ۴۶
	معلم معنی آن شعر را برای ما توضیح داد.	explained - ۴۷
	تام مقدار زیادی پول از عمومیت قرض گرفت.	amount - ۴۸
	با وجود هوای بد تصمیم گرفتیم بیرون برویم.	despite - ۴۹
	اگر امکان دارد می‌خواهم این را با اندازه بزرگ‌تر تعویض کنم.	exchange - ۵۰
	من چیزی نگفتم که به احساساتش صدمه بزند.	feelings - ۵۱
	او تجربه زیادی در تدریس انگلیسی به کودکان دارد.	experience - ۵۲
	او چند توصیه بسیار ارزشمند به من کرد.	valuable - ۵۳
	(جامعه) گروه بزرگی از افراد که با یکدیگر زندگی می‌کنند	society - ۵۴
	(متفاوت بودن) متفاوت بودن از یکدیگر	vary - ۵۵
	(با وجود) بدون هیچ توجهی کردن	despite - ۵۶
	(تشکیل دادن) تشکیل دادن یک چیز، مقدار یا تعداد	make up - ۵۷
	(توانایی) قدرت جسمی یا روحی یا مهارت انجام دادن کاری	ability - ۵۸
	(درصد) یک قسمت در هر صد (تا)	percent - ۵۹
	(زبان مادری) اولین زبانی که وقتی کودک هستید یاد می‌گیرید	mother tongue - ۶۰
	(قرن) یک دوره صدساله	century - ۶۱
	او سلامتی‌اش را از دست داد و بنابراین مشکلاتش افزایش پیدا کرد.	so - ۶۲
therefore = so بنابراین		
	تعداد افرادی که در تصادفات ماشین فوت می‌کنند حیرت‌انگیز است.	amazing - ۶۳
surprising = amazing شگفت‌انگیز، حیرت‌انگیز		
	من از این‌که او را آن‌جا می‌دیدم خیلی تعجب نکردم.	very much - ۶۴
greatly زیاد = very much خیلی، بسیار زیاد	be surprised تعجب کردن	

قطار ده دقیقه زود رسید.

early ≠ late زود

نوشتن نامه به انگلیسی خیلی آسان نبود.

simple ≠ difficult ساده، آسان

لطفاً هندوانه را به شش قاچ تقسیم کنید.

slice = piece تکه، قطعه، برش

cut into تقسیم کردن، قسمت کردن

او قصد دارد اواخر این هفته پروژه را شروع کند.

begin ≠ finish تمام کردن شروع کردن

آن پرنده هر سال به این منطقه برمی‌گردد.

region = area منطقه، ناحیه

یک گویشور بومی کسی است که زبانی را به عنوان زبان مادری اش صحبت می‌کند.

آیا این مقدار پول نیاز شما را برآورده می‌کند؟

این کتاب هم در انگلیسی گفتاری و هم در انگلیسی نوشتاری به شما کمک خواهد کرد.

سلامت جسمی و روانی اش دارد بدتر می‌شود.

آن‌ها همیشه لباس یکدیگر را می‌پوشند.

ایمیل دارد ابزار ارتباطی مهمی می‌شود.

او انگلیسی را به خوبی صحبت می‌کند اما زبان مادری اش چینی است.

من همیشه برای فرزندانم وقت خواهم داشت مهم نیست چه قدر گرفتار شوم. (سرم شلوع شود).

ارتباط برقرار کردن با افراد می‌تواند دشوار باشد اگر به زبان آن‌ها صحبت نکنید.

غذادادن به حیوانات جاذبه‌ای پرطرفدار برای بازدیدکنندگان از مزرعه است.

چشمان تان را ببندید و سفر در فضا را تصور کنید.

آن‌ها در مورد نقش زن و مرد در جامعه امروزی تحقیق کردند.

پدرش ناگهان به خاطر حمله قلبی در سال ۱۸۹۲ در سن ۳۷ سالگی فوت کرد.

بسیاری از شهرهای جهان بیش از ۵ میلیون جمعیت دارند.

آیا بچه‌ها اختلاف بین خوب و بد را می‌دانند؟

برای ژاپنی‌ها دشوار است که به راحتی انگلیسی صحبت کنند.

هر سال جمعیت جهان به طور متوسط تا دو درصد افزایش می‌یابد.

on average به طور متوسط

برای او عکس گرفتن در تاریکی غیرممکن بود.

قصد دارم از شما چیزی بپرسم و از شما می‌خواهم با من صادق باشید.

آیا می‌دانستید که آسیا و آفریقا دوتا از بزرگ‌ترین قاره‌های جهان هستند؟

فکر می‌کنید یادگرفتن کدام زبان خارجی برای انگلیسی‌زبان‌ها راحت‌ترین است؟

من دو فرد خارجی را ملاقات کردم. یکی اهل کانادا و دیگری اهل انگلستان بود.

امروز صبح چه قدر نان خریدید؟

بعد از How much، اسم غیر قابل شمارش میار و bread تنها اسم غیر قابل شمارش در بین گزینه‌هاست.

۶۵ - late

۶۶ - difficult

۶۷ - pieces

۶۸ - finish

۶۹ - area

۷۰ - native

۷۱ - meet

۷۲ - written

۷۳ - mental

۷۴ - each

۷۵ - means

۷۶ - tongue

۷۷ - matter

۷۸ - گزینه ۴

۷۹ - گزینه ۲

۸۰ - گزینه ۳

۸۱ - گزینه ۱

۸۲ - گزینه ۲

۸۳ - گزینه ۳

۸۴ - گزینه ۴

۸۵ - گزینه ۱

۸۶ - گزینه ۳

۸۷ - گزینه ۱

۸۸ - گزینه ۳

۸۹ - گزینه ۲

۹۰ - گزینه ۳

۹۱ - گزینه ۱

۹۲ - گزینه ۳



در صورت وجود قسمت رنگی، گزینه‌های دیگر در دست بود.

امروز صبح پندتا پرتقال خریدید؟

How many oranges did you buy this morning?

امروز صبح چند کیلو پرتقال خریدید؟

How many kilos of oranges did you buy this morning?

امروز صبح پندتا نان خریدید؟

How many loaves of bread did you buy this morning?

۹۳- گزینه «۲» تعدادی گوجه‌فرنگی بر روی میز در آشپزخانه وجود دارد.

بعد از some می‌توین از اسم قابل شمارش جمع (tomatoes) به همراه فعل جمع (are / were) یا اسم غیر قابل شمارش (rice) به همراه فعل مفرد (is / was) استفاده کنین.

در صورت وجود قسمت رنگی، گزینه‌های ۳ و ۴ در دست بود:

There is / was some rice on the table in the kitchen.

مقداری برنج بر روی میز در آشپزخانه وجود دارد / داشت.

There are / were some bags of rice on the table in the kitchen.

تعدادی کیسه برنج بر روی میز در آشپزخانه وجود دارد / داشت.

۹۴- گزینه «۴» مقدار کمی پول دارم؛ بنابراین اگر بخواهید می‌توانیم به خرید برویم.

قبل از اسم غیر قابل شمارش (money)، از a little یا little استفاده کنین. a little به معنی مقدار کم و کافیست. چون می‌تونه به فرید بره پس پولش کم ولی کافیست.

در صورت وجود قسمت رنگی، گزینه‌های دیگر در دست بود:

I have little money, so we can't go shopping.

مقدار کمی پول دارم بنابراین نمی‌تونیم به فرید بریم.

I have a few dollars, so we can go shopping if you want.

مقدار کمی دلار دارم بنابراین آگه بفواهی می‌تونیم به فرید بریم.

I have few dollars, so we can't go shopping.

مقدار کمی دلار دارم بنابراین نمی‌تونیم به فرید بریم.

۹۵- گزینه «۴» مقدار زیادی اطلاعات درباره آن شرکت داریم.

قبل از اسم قابل شمارش و اسم غیر قابل شمارش (information) از a lot of استفاده کنین. بقیه گزینه‌ها قبل از اسم قابل شمارش میان.

۹۶- cheese - eggs - apple - bread - glasses

آن‌ها مقدار کمی پنیر، سه عدد تخم‌مرغ، یک سیب بزرگ، مقداری نان و دو لیوان شیر برای صبحانه خوردند.

بعد از (a little)، اسم غیر قابل شمارش مفرد (cheese)، بعد از اعداد بیش از یک (three)، اسم قابل شمارش جمع (eggs)، بعد از (a)، اسم قابل شمارش مفرد (apple)،

بعد از some، اسم قابل شمارش جمع یا اسم غیر قابل شمارش مفرد (bread) و بعد از اعداد بیش از یک (two)، اسم قابل شمارش جمع (glasses) استفاده کنین.

۹۷- How many دیروز چند فنجان قهوه خوردید؟

قبل از اسم قابل شمارش جمع (cups)، از How many استفاده کنین.

در صورتی که بعد از پای قالی فقط coffee بود، How much در دست بود.

How much coffee did you drink yesterday?

دیروز چه قدر قهوه خوردید؟

۹۸- was امروز صبح مقدار زیادی میوه در یخچال داشت.

a lot of با اسم غیر قابل شمارش مفرد (fruit) و فعل مفرد (is یا was) میار. this morning با گذشته به کار می‌ره پس was درستست.

How many glasses of milk do you drink every day?

۹۹- هر روز چند لیوان شیر می‌خورید؟

I bought some orange juice and a few sandwiches for you.

۱۰۰- من مقداری آب پرتقال و تعداد کمی ساندویچ برای شما خریدم.

I bought a few sandwiches and some orange juice for you.

من تعداد کمی ساندویچ و مقداری آب پرتقال برای شما خریدم.

۱۰۱- او چه قدر خربزه خورد؟

He ate two slices of melon.

او دو قاچ خربزه خورد.

۱۰۲- آن‌ها چند فرزند دارند؟

They have one child. They have a child.

آن‌ها یک فرزند دارند.

Robert works in an old restaurant. He brings the food to the tables. He's a waiter.

۱۰۳-

رابرت در یک رستوران قدیمی کار می‌کند. او غذا سر میز می‌آورد. او پیشخدمت است.

قبل از اسم قابل شمارش مفردی که با حرف بی صدا شروع شده باشد (restaurant) از a استفاده کنیم ولی آگه قبل از اسم ، صفت اوامده باشد، ملاک حرف اول صفت. در این‌ها صفت (old) با حرف صدادار شروع شده پس an درسته.

a restaurant / an old restaurant

۱۰۴- من سه بطری بزرگ آب سیب و تعداد کمی پرتقال خریدم.

بعد از اعداد پیش از یک (three)، اسم قابل شمارش جمع (bottles) میار.

There's little coffee left. We need to buy some more.

۱۰۵- قهوه کمی باقی مانده. ما باید مقدار بیشتری بخریم.

قبل از اسم غیر قابل شمارش (coffee) از little استفاده کنیم.

How many glasses of orange juice did your uncle give you?

۱۰۶- عمویت چند لیوان آب پرتقال به شما داد؟

عمویم یک لیوان آب پرتقال به من داد.

هواستون باشه در جواب ممکنه اسم قابل شمارش مفرد (glass) داشته باشیم ولی در سوال همیشه بعد از How many از اسم قابل شمارش جمع (glasses) استفاده کنیم.

How much information do you need about the flight to Boston?

۱۰۷- چه قدر اطلاعات درباره پرواز به بوستون نیاز دارید؟

مقداری اطلاعات درباره پرواز به بوستون نیاز دارم.

بعد از some، اسم غیر قابل شمارش (information) اوامده، پس از How much استفاده کنیم.

۱۰۸- گزینه ۲» من برای خرید یک کتاب انگلیسی به مقداری پول نیاز دارم.

در این تست، قبل از اسم غیر قابل شمارش (money) از some، a little یا a lot of می تونین استفاده کنیم ولی قبل از English book، باید از an یا the استفاده کنیم.

در صورت وجود قسمت رنگی، گزینه‌های دیگر درست بود.

I need a little money to buy an English book.

برای خرید یک کتاب انگلیسی به مقدار کمی پول نیاز دارم.

I need a little money to buy the English book.

برای خرید آن کتاب انگلیسی به مقدار کمی پول نیاز دارم.

I need a lot of money to buy the English book.

برای خرید آن کتاب انگلیسی به مقدار زیادی پول نیاز دارم.

۱۰۹- گزینه ۱» دیروز قبل از ساعت ۷ چند بار از خواب بلند شدید؟

time به معنی (زمان) اسم غیر قابل شمارش ولی مثل این تست، به معنی «بار، دفعه» اسم قابل شمارش و قبل از آن How many میار.

به تفاوت قابل شمارش و غیر قابل شمارش بودن time در مثالای زیر توجه کنیم.

How much time do you need to finish your homework?

چه قدر زمان لازم داری تا تکالیفت را تمام کنی؟

How many times a month do you go to the cinema?

چند بار در ماه به سینما می‌ری؟

۱۱۰- گزینه ۴» «شما چه قدر پول دارید؟» «من ۱۰۰ دلار دارم.»

قبل از اسم غیر قابل شمارش (money)، از much استفاده کنیم ولی قبل از اسم قابل شمارش جمع (dollars)، باید از many استفاده کنیم.

در صورت وجود قسمت رنگی، گزینه ۱ درست بود.

"How many dollars have you got?"

شما چند دلار دارید؟

۱۱۱- گزینه ۳» ما فقط تعداد کمی هویج داریم. باید بریم و کمی بیشتر بخریم.

در این تست، قبل از اسم قابل شمارش جمع (carrots)، از a few یا a lot of می تونین استفاده کنیم ولی با توجه به معنی، a few درسته.

۱۱۲- گزینه ۴» متأسفم من نمی‌توانم پول ناهار شما را پرداخت کنم. من مقدار کمی پول دارم.

در این تست، قبل از اسم غیر قابل شمارش (money)، از some، a little یا a lot of می تونین استفاده کنیم ولی با توجه به این‌که little مفهوم منفی دارد، little درسته.

در صورت وجود قسمت رنگی، گزینه ۱ و ۲ درست بود.

I can pay for your lunch. I have a lot of / some money.

من می‌توانم پول ناهار شما را پرداخت کنم. من مقدار زیادی / مقداری پول دارم.

- ۱۱۳- گزینه «۳» مقداری گوشت بر روی میز در آشپزخانه وجود دارد.
 some رو با اسم غیر قابل شمارش مفرد (meat) به همراه فعل مفرد (is) یا با اسم قابل شمارش جمع (apples) به همراه فعل جمع (are) استفاده کنید.
 در صورت وجود قسمت رنگی، گزینه درست بود.
 تعدادی سیب بر روی میز در آشپزخانه وجود دارد.
 There are some apples on the table in the kitchen.
- ۱۱۴- گزینه «۳» مارتین برای ناهار زیاد غذا نخورد - فقط یک پرتقال و مقداری نان.
 بعد از اسم قابل شمارش مفردی که با حرف صدادار شروع شده باشد، از an و بعد از some، از اسم قابل شمارش جمع یا اسم غیر قابل شمارش مفرد استفاده کنید.
 در صورت وجود قسمت رنگی، گزینه‌های دیگر درست بود.
 مارتین برای ناهار زیاد غذا نخورد - فقط یک سیب و مقداری آب میوه.
 مارتین برای ناهار زیاد غذا نخورد - فقط یک ساندویچ و مقداری شیر.
 Martin didn't eat much for lunch - only an apple and some juice.
 Martin didn't eat much for lunch - only a sandwich and some milk.
 Martin didn't eat much for lunch - only a little chicken and some eggs.
 مارتین برای ناهار زیاد غذا نخورد - فقط مقدار کمی مرغ و مقداری تفرغ.
 مادرم یک بطری شیر و تعداد کمی نان به هلن داد.
 ۱۱۵- گزینه «۴»
 از واحد شمارش glass and bottle برای milk استفاده کنید و بعد از a few، اسم قابل شمارش جمع (loaves) میاد.
 ۱۱۶- rain - villages پارسال در این روستاها چه قدر باران وجود داشته است؟
 بعد از How much، از اسم غیر قابل شمارش مفرد (rain) و بعد از ضمائر اشاره جمع (these) از اسم قابل شمارش جمع (villages) استفاده کنید.
 ۱۱۷- children - child «شما و تونی چند فرزند دارید؟» «ما فقط یک بچه داریم.»
 بعد از How many، از اسم قابل شمارش جمع (children) و بعد از عدد یک (one) از اسم قابل شمارش مفرد (child) استفاده کنید.
 ۱۱۸- bananas - meat من تعداد کمی موز و مقدار کمی گوشت خوردم.
 بعد از a few، از اسم قابل شمارش جمع (bananas) و بعد از a little از اسم غیر قابل شمارش مفرد (meat) استفاده کنید.
 ۱۱۹- rice - orange بیا مقدار زیادی برنج و مقداری آب پرتقال برای شام بخیریم.
 بعد از a lot of، از اسم غیر قابل شمارش مفرد (rice) و بعد از some از اسم غیر قابل شمارش مفرد (juice) استفاده کنید. در این‌ها اسمی که بعد از some آمده، اسم غیر قابل شمارش juice است نه orange. orange در اصل اسم پائشین صفت و صفت هم که s جمع نمی‌گیرد.
 بیا تعدادی پرتقال بفریم.
 Let's get some oranges.
 بیا مقداری آب پرتقال بفریم.
 Let's get some orange juice.
- ۱۲۰- slices دیشب تعدادی برش کیک در آشپزخانه وجود داشت.
 بعد از some از اسم قابل شمارش جمع (slices) استفاده کنید.
 ۱۲۱- many هر روز چند ساعت می‌خوابید؟
 ۱۲۲- much چه قدر شیر برای کیک نیاز دارید؟
 ۱۲۳- much «قیمت این ساعت چه قدر است؟» «۲۰۰۰۰ تومان.»
 برای پرسیدن قیمت از How much استفاده کنید.
 ۱۲۴- little مقدار کمی نان داریم. برای شام کافی نیست.
 little به معنی مقدار کمی، مفهوم منفی و کافی نبودن می‌ری و هم‌سوه و قبل از اسم غیر قابل شمارش (bread) استفاده کنید.
 ۱۲۵- was سه روز قبل مقدار زیادی برف بر روی جاده وجود داشت.
 با اسم غیر قابل شمارش (snow) از فعل مفرد (is / was) استفاده کنید. با توجه به قید گذشته «three days ago»، فعل مفرد was درسته.
 ۱۲۶- How much «چه قدر آب برای آب دادن به گل‌ها نیاز دارید؟» «مقدار کمی.»

- How many people did you invite to your birthday party? ۱۲۷- چند نفر به مهمانی جشن تولدت دعوت کردی؟
- How much blood is there in the human body? ۱۲۸- چهقدر خون در بدن انسان وجود دارد؟
- My father drinks two small glasses of water every morning. ۱۲۹- پدرم هر صبح دو لیوان کوچک آب می‌خورد.
- The travel agent gave us some information about the city. ۱۳۰- مدیر آژانس مسافرتی مقداری اطلاعات درباره آن شهر به ما داد. *آگه مرف اضافه to بین کلمات به هم ریخته بود، جمله زیر درست بود، مدیر آژانس مسافرتی مقداری اطلاعات درباره آن شهر به ما داد.*
- The travel agent gave some information about the city to us. ۱۳۱- چهقدر شکر در قهوه‌تان می‌ریزید؟
- How much sugar do you put in your coffee? ۱۳۲- ما این هفته خیلی هوای گرم نداشتیم.
- We did not have much warm weather this week. ۱۳۳- شما چند لیوان شیر خوردید؟
- I drank a glass of milk. ۱۳۴- من یک لیوان شیر خوردم.
- He has two daughters. ۱۳۵- برادر بزرگ‌ترت چند دختر دارد؟
- He is going to buy two loaves of bread. ۱۳۶- او دو دختر دارد.
- She drank two cups of tea. ۱۳۷- او قصد دارد چهقدر نان بخرد؟
- How many loaves of bread did mum buy? ۱۳۸- او قصد دارد دو تا نان بخرد.
- How much time does it take you to paint my room? ۱۳۹- امروز صبح مادرت چهقدر چای خورد؟
- Look! There are a few mice on the roof. ۱۴۰- او دو فنجان چای خورد.
- Joe is always angry. That's why he has few friends. ۱۴۱- مامان چند نان خرید؟
- How many languages can your little sister speak? She can speak only English. ۱۴۲- بعد از How many، از اسم قابل شمارش جمع (loaves) استفاده کنین.
- How many slices of cake did he eat last night? ۱۴۳- چهقدر وقت شما را می‌گیرد تا اتاقم را رنگ بزنید؟
- How much water is there in this bottle? ۱۴۴- time به معنی «زمان»، اسم غیرقابل شمارش و قبل از اون، How much میاد.
- How many monkeys did you see at the zoo last week? ۱۴۵- نگاه کن! تعدادی موش بر روی پشت بام وجود دارد.
- How much orange juice was there in the bottle? ۱۴۶- با اسم قابل شمارش جمع (mice) از فعل جمع استفاده کنین.
- Joe is always angry. That's why he has few friends. ۱۴۷- جو همیشه عصبانی است. به این دلیل است که او دوستان کمی دارد.
- How many languages can your little sister speak? She can speak only English. ۱۴۸- بعد از few از اسم قابل شمارش جمع (friends) استفاده کنین.
- How many slices of cake did he eat last night? ۱۴۹- «خواهر کوچکت به چند زبان می‌تواند صحبت کند؟» «او می‌تواند فقط انگلیسی صحبت کند.»
- How much water is there in this bottle? ۱۵۰- قبل از اسم قابل شمارش جمع (languages) از How many استفاده کنین.
- How many monkeys did you see at the zoo last week? ۱۴۱- او دیشب چند برش کیک خورد؟
- How much orange juice was there in the bottle? ۱۴۲- او دیشب یک برش کیک خورد.
- How many slices of cake did he eat last night? ۱۴۳- چهقدر آب در این بطری وجود دارد؟
- How much water is there in this bottle? ۱۴۴- مقدار کمی آب در این بطری وجود دارد.
- How many monkeys did you see at the zoo last week? ۱۴۵- هفته گذشته چند میمون در باغ‌وحش دیدید؟
- How much orange juice was there in the bottle? ۱۴۶- هفته گذشته تعدادی میمون در باغ‌وحش دیدیم.
- How much orange juice was there in the bottle? ۱۴۷- چهقدر آب پرتقال داخل بطری وجود داشت؟
- How much orange juice was there in the bottle? ۱۴۸- مقداری آب پرتقال داخل بطری وجود داشت.

۱۴۶- مهمان آقای صابریان چه کاره است؟

He is a high school student.

او دانش آموز دبیرستانی است.

۱۴۷- آقای صابریان چه طور فرانسوی یاد گرفت؟

He learned French in a language institute.

او زبان فرانسوی را در یک آموزشگاه زبان یاد گرفت.

۱۴۸- گزینه «۴» زبان مادری آقای صابریان فارسی است.

۱۴۹- گزینه «۳» آقای صابریان وقتی داشت در یک کشور خارجی درس می خواند زبان روسی را یاد گرفت.

۱۵۰- True آقای صابریان فارسی زبان است.

۱۵۱- False آقای صابریان علاوه بر انگلیسی می تواند به سه زبان خارجی صحبت کند.

۱۵۲- (f) سلام، ممکنه تعدادی سؤال در مورد تجربه یادگیری زبان تان بپرسم؟

البته، من سی ای چی یامادا هستم. شما می تونی من را سم صدا بزنی.

۱۵۳- (c) بسیار خُب، به خاطر سپردن سم راحت. به چه زبان هایی صحبت می کنی؟

خُب، زبان مادریم ژاپنی است و من می تونم انگلیسی و فرانسوی رو صحبت کنم.

۱۵۴- (e) توانایی زبان انگلیسی ات چه قدر خوبه؟

خُب، مهارت های خواندن، صحبت کردن و شنیداری انگلیسی ام خیلی خوبه ولی در نگارش ضعیفم.

۱۵۵- (b) انگلیسی را چه طور یاد گرفتی؟

اووم، بذار ببینم، من یادگیری انگلیسی را وقتی هفت سال داشتم در آموزشگاه زبان شروع کردم.

۱۵۶- (a) و کی یادگیری فرانسوی را شروع کردی؟

چهار سال پیش یادگیری فرانسوی را در مدرسه شروع کردم.

۱۵۷- (g) در این جا دوستان خارجی داری؟

بله، من با چند انگلیسی زبان دوست شدم و با آن ها انگلیسی تمرین می کنم.

۱۵۸- (d) بسیار خُب، بسیار متشکرم.

خواهش می کنم.

زبان های جهان

زبان یک سیستم ارتباطی است. زبان از شکل نوشتاری و گفتاری استفاده می کند. افراد در یک جامعه از زبان برای ارتباط برقرار کردن با یکدیگر استفاده می کنند. آن ها از طریق آن، دانش، عقاید، آرزوها و احساسات را مبادله می کنند.

زبان ها از منطقه ای به منطقه (دیگر) بسیار متفاوت هستند. آن ها آن قدر متفاوت هستند که یک شخص ممکن است زبان فردی از منطقه، کشور یا قاره دیگر را نفهمد. تعجب آور نیست که می شنویم امروزه حدود ۷۰۰۰ زبان در جهان وجود دارد. بیش از ۲۰۰۰ زبان در آفریقا، ۱۰۰۰ در قاره های آمریکا، بیش از ۲۲۵۰ در آسیا، حدود ۲۳۰ در اروپا و بیش از ۱۳۰۰ زبان در اقیانوسیه وجود دارد.

گویشوران بومی این زبان ها از نظر تعداد، از خیلی زیاد، با صدها میلیون گویشور تا خیلی کم، با کم تر از ۱۰ گویشور، متفاوت هستند. پرطرفدارترین زبان در جهان، چینی است. بیش از یک میلیارد نفر در جهان چینی صحبت می کنند. جالب این که، انگلیسی این تعداد گویشور بومی ندارد اما حدود یک میلیارد فراگیر در سرتاسر جهان دارد. آن ها انگلیسی را به عنوان یک زبان بین المللی یاد می گیرند.

حدود پنجاه درصد از زبان های جهان کم تر از ۵۰۰۰ گویشور دارد. در ابتدای قرن بیست و یکم، ۲۰۴ زبان، کم تر از ۱۰ گویشور و ۳۴۴ زبان، بین ۱۰ تا ۹۹ گویشور داشته است. ۵۴۸ زبان، با کم تر از ۹۹ گویشور تقریباً ۸ درصد زبان جهان را تشکیل می دهد. ما آن ها را زبان های در معرض خطر می نامیم. وقتی گویشوران این زبان ها بزرگ شوند و بمیرند، زبان شان نیز از بین خواهد رفت.

تمام زبان ها با وجود تفاوت هایشان خیلی بالارزش هستند. هر زبان یک وسیله ارتباطی حیرت انگیز است که نیازهای گویشورانش را برآورده می کند. بنابراین ما باید به تمام زبان ها احترام بگذاریم؛ مهم نیست که چه قدر تفاوت داشته باشند و چند گویشور داشته باشند.

- ۱۵۹- گزینه «۳» آفریقا زبان‌های کم‌تری نسبت به آسیا دارد.
 با استفاده از تکنیک scanning یعنی با نگاه اجمالی، دنبال کلمه کلیدی یعنی تعداد زبان‌های موجود در گزینه‌ها می‌گردیم. با تکنیک نگاه اجمالی، پیدا کردن این ارقام خیلی راحت است. هاستون باشه برای پیدا کردن این ارقام نیازی به فوندن کلمه به کلمه نیست بلکه با به نگاه اجمالی، سریع می‌تونیم این ارقام رو پیدا کنیم. (بیش از ۲۰۰۰ در آفریقا، ۱۰۰۰ در آمریکا، ۲۲۵۰ در آسیا، ۲۳۰ در اروپا و ۱۳۰۰ در اقیانوسیه) بنابراین آفریقا از آسیا کم‌تر زبان داره.
- ۱۶۰- گزینه «۴» ما از متن می‌فهمیم که بیش از ۴۲۵۰ زبان در آفریقا و آسیا وجود دارد.
 با استفاده از تکنیک scanning یعنی با نگاه اجمالی، دنبال کلمه کلیدی (languages in Africa and Asia) (تعداد زبان‌ها در آفریقا و آسیا) می‌گردیم. در سطر ۶ تعداد زبان‌های آفریقا ۲۰۰۰ و تعداد زبان‌های آسیا ۲۲۵۰ بیان شده بنابراین مجموع آن‌ها ۴۲۵۰ است.
- ۱۶۱- گزینه «۴» از متن می‌فهمیم که حدود یک میلیارد نفر در سرتاسر جهان فراگیران انگلیسی هستند.
 با نگاه اجمالی، دنبال کلمه کلیدی (about one billion) می‌گردیم. در سطر آخر پاراگراف ۳ گفته، «انگلیسی این تعداد گویشور بومی نداره. اما حدود یک میلیارد فراگیر در سرتاسر جهان داره».
- ۱۶۲- گزینه «۱» طبق متن، کدام یک درست نیست؟ حدود ۳۰۰۰ زبان در جهان کم‌تر از ۵۰۰۰ گویشور دارد.
 با استفاده از تکنیک scanning یعنی با نگاه اجمالی، دنبال کلمه کلیدی موجود در گزینه‌ها می‌گردیم.
 کلمه کلیدی گزینه ۱، (3000 languages) و (5000 speakers) است که (5000 speakers) رو در ابتدای پاراگراف ۴ پیدا می‌کنیم و جمله‌ای که این کلمه کلیدی داره، می‌گه، «حدود پنجاه درصد زبان‌های جهان کم‌تر از ۵۰۰۰ گویشور داره» با توجه به این که «حدود صد زبان جهان، ۳۵۰۰ می‌شه پس این جمله غلطه. پس این گزینه درسته. بیا بین گزینه‌های دیگر رو هم بررسی کنیم»
 کلمه کلیدی گزینه ۲، (548 languages) رو در سطر ۲ پاراگراف ۴ پیدا می‌کنیم. جمله‌ای که این کلمه کلیدی داره و جمله بعرض، می‌گه، «۵۴۸ زبان با کم‌تر از ۹۹ گویشور تقریباً ۸ درصد زبان‌های جهان را تشکیل می‌دهند. ما آن‌ها را زبان‌های در معرض خطر می‌نامیم». پس این گزینه و گزینه ۴ درسته در نتیجه این گزینه‌ها غلطن.
 کلمه کلیدی گزینه ۳ هم Chinese است که در سطر ۲ پاراگراف ۳ پیدا می‌کنیم که می‌گه، «محبوب‌ترین زبان در جهان چینی است. بیش از یک میلیارد نفر در جهان چینی صحبت می‌کنند». پس این جمله هم درسته در نتیجه این گزینه غلطه.
- ۱۶۳- False ۱۰۰۰ زبان در آمریکای شمالی وجود دارد.
 با نگاه اجمالی، کلمه کلیدی یعنی 1000 و America رو در سطر ۴ پاراگراف ۲ پیدا می‌کنیم و جمله‌ای که این کلمه کلیدی داره، می‌گه، «۱۰۰۰ زبان در قاره‌های آمریکا یعنی قاره‌های آمریکای شمالی و جنوبی وجود داره» نه فقط در آمریکای شمالی، پس این جمله غلطه.
- ۱۶۴- False اقیانوسیه کم‌ترین تعداد زبان در جهان را دارد.
 با توجه به توضیحات سوال ۱۵۹، این جمله غلطه.
- ۱۶۵- True برخی از زبان‌ها کم‌تر از ۱۰ گویشور دارند.
 با نگاه اجمالی، کلمه کلیدی یعنی ۱۰ رو در سطر ۲ پاراگراف ۳ پیدا می‌کنیم و جمله‌ای که این کلمه کلیدی داره، می‌گه، «زبان با کم‌تر از ۱۰ گویشور هم داریم» پس این جمله درسته.
- ۱۶۶- False افراد از طریق زبان می‌توانند فقط دانش مبادله کنند.
 با نگاه اجمالی، کلمه کلیدی یعنی knowledge and exchange رو در سطر ۲ پاراگراف اول پیدا می‌کنیم و جمله‌ای که این کلمه کلیدی داره، می‌گه، «افراد از طریق زبان دانش، عقاید، آرزوها و احساسات را مبادله می‌کنند». نه فقط دانش، پس این جمله غلطه. همیشه هاستون به کلمه فقط باشه.
- ۱۶۷- False هر زبان می‌تواند نیازهای گویشوران بومی دیگر را برآورده کند.
 با نگاه اجمالی، کلمه کلیدی یعنی (meet the needs of)، رو در سطر ۲ پاراگراف آخر پیدا می‌کنیم و جمله‌ای که این کلمه کلیدی داره، می‌گه، «هر زبان یک وسیله ارتباطی هیرت‌انگیز است که نیازهای گویشوران را برآورده می‌کند». نه نیازهای گویشوران دیگر زبان‌ها رو، پس این جمله غلطه.
- ۱۶۸- افراد برای ارتباط برقرار کردن با یکدیگر از چه چیزی استفاده می‌کنند؟
 People use language to communicate with each other.
 با نگاه اجمالی، کلمه کلیدی یعنی (communicate with each other) رو در سطر یک پاراگراف اول پیدا می‌کنیم و جمله‌ای که این کلمه کلیدی داره، می‌گه، «افراد در جامعه از زبان برای ارتباط برقرار کردن با یکدیگر استفاده می‌کنند».

۱۶۹- چرا افراد نمی‌توانند تمام زبان‌ها را بفهمند؟

Because languages are so different that people can't understand all languages.

چون آن‌ها آن قدر متفاوت هستند که افراد نمی‌توانند تمام زبان‌ها را بفهمند.

با استفاده از تکنیک scanning یعنی با نگاه اهمالی، کلمه کلیدی یعنی (understand all languages) را در پاراگراف اول پیدا می‌کنیم و جمله‌ای که این کلمه کلیدی دارد، می‌گه: «زبان‌ها آن قدر متفاوت هستند که یک شخص، زبان فردی از منطقه، کشور یا قاره دیگر را نمی‌فهمد.»

۱۷۰- کدام قاره بیشترین زبان در جهان را دارد؟

Asia has the most languages in the world.

آسیا بیشترین زبان را در جهان دارد.

اولین زبانی که یاد می‌گیرید صحبت کنید زبان مادری شما نامیده می‌شود. وقتی بچه بودید، شما به والدین و افراد دیگری که صحبت می‌کردند گوش دادید و سپس صداهایی را که شنیدید ادا کردید. به نظر می‌رسد کودکان با توانایی یادگرفتن زبانی که می‌شنوند به دنیا می‌آیند. گویشوران بومی مثل کودکان یاد می‌گیرند از کلمات درست استفاده کنند و حتی بدون فکر کردن درباره آن، آن‌ها را به ترتیب صحیح بیان کنند. اگر انگلیسی، زبان مادری شما است، شما به طور غیرارادی می‌دانید که "I going bed" اشتباه اما "I am going to bed" درست است. اگر شما زبان دومی را یاد می‌گیرید، مجبورید واژگان و قواعد آن را یاد بگیرید. به این دلیل است که یادگیری زبان دوم می‌تواند دشوار باشد. کودکان می‌توانند یک زبان جدید را به راحتی یاد بگیرند. اگر آن‌ها در میان افرادی باشند که زبان متفاوتی را صحبت می‌کنند، طولی نمی‌کشد که علاوه بر زبان مادری‌شان، آن زبان را صحبت کنند. اما هر چه افراد بزرگ‌تر می‌شوند، یادگرفتن زبان‌های جدید سخت‌تر می‌شود. افراد توانایی یادگرفتن دستور زبان، واژگان و صداهای زبان دیگر را از دست می‌دهند.

۱۷۱- گزینه ۲	(۱) توجه	(۲) توانایی	(۳) فضا، جا	(۴) تجربه
۱۷۲- گزینه ۳	(۱) دوم	(۲) اشاره، علامت، نشانه	(۳) بومی	(۴) خارجی
۱۷۳- گزینه ۴	(۱) زبان	(۲) اختلاف، تفاوت	(۳) قاعده، قانون	(۴) فرد خارجی
۱۷۴- گزینه ۱	(۱) علاوه بر	(۲) تا، به وسیله	(۳) با وجود، به رغم	(۴) از طریق
۱۷۵- گزینه ۳	(۱) پروژه، طرح	(۲) مقدار	(۳) زبان	(۴) فرد خارجی

انگلیسی همیشه پرطرفدارترین زبان در جهان نبوده است. در قرون وسطی وقتی مردم زبان یکدیگر را نمی‌فهمیدند به زبان لاتین صحبت می‌کردند. در قرن‌های شانزدهم، هفدهم و هجدهم مردم به زبان فرانسوی صحبت می‌کردند. اما امروزه، در ابتدای قرن بیست و یکم، حدود یک میلیارد نفر در سرتاسر جهان زبان انگلیسی را به عنوان یک زبان بین‌المللی صحبت می‌کنند. حدود ۴۰۰ میلیون گویشور در استرالیا، بریتانیا، کانادا، ایرلند، زلاندنو، آفریقای جنوبی و ایالات متحده آمریکا انگلیسی را به عنوان زبان مادری صحبت می‌کنند. حدود ۴۰۰ میلیون نفر در کشورهای مثل غنا، هند، نیجریه و سنگاپور انگلیسی را به عنوان زبان دولتی، آموزش و تجارت صحبت می‌کنند. در بیشتر کشورهای دیگر، انگلیسی مهم‌ترین زبان خارجی است که بچه‌ها در مدرسه یاد می‌گیرند؛ چون آن برای جهانگردی، تجارت بین‌الملل، تفریح و اینترنت مهم است. بنابراین هم‌اکنون بیش از یک میلیارد نفر انگلیسی صحبت می‌کنند. چه‌طور این مسئله اتفاق افتاد؟ انگلیسی زبان راحتی برای یادگیری نیست. املا و دستور زبانش دشوار است. در قرن هجدهم بریتانیا کشوری قوی بود و برخی کشورها را مجبور کرد انگلیسی یاد بگیرند. در قرن بیستم، آمریکا باعث شد افراد در سرتاسر جهان از طریق روزنامه، تلویزیون و فیلم با زبان انگلیسی آشنا شوند. اکنون انگلیسی زبان رایج برای سفر بین‌المللی، علوم، فناوری اطلاعات و اینترنت است. اما باید به خاطر داشت که انگلیسی تعدادی کلمه را از زبان‌های دیگر وام گرفته است. برای مثال، زبان انگلیسی کلمات kindergarten را از آلمانی، restaurant را از فرانسوی و zero را از عربی وام گرفته است.

۱۷۶- گزینه ۱» از متن می‌فهمیم که اکنون زبان انگلیسی یک زبان بین‌المللی است. با استفاده از تکنیک scanning یعنی با نگاه اهمالی، دنبال کلمه کلیدی (an international language) می‌گردیم. در سطر آخر پاراگراف یک بیان شده «هرود یک میلیارد نفر در سرتاسر جهان زبان انگلیسی را به عنوان یک زبان بین‌المللی صحبت می‌کنند». پس گزینه یک درسته.

۱۷۷- گزینه ۲» طبق متن، کدام جمله درست است؟ انگلیسی، زبان مادری حدود ۴۰۰ میلیون نفر است. با نگاه اهمالی، کلمه کلیدی گزینه یک یعنی (native speakers, one billion)، رو در سطر آخر پاراگراف اول پیدا می‌کنیم و جمله‌ای که این کلمه کلیدی داره و جمله بعرض، می‌گه: «هرود یک میلیارد نفر در سرتاسر جهان زبان انگلیسی را به عنوان یک زبان بین‌المللی صحبت می‌کنند. هرود ۳۰۰ میلیون گویشور در استرالیا، ... و ایالات متحده آمریکا انگلیسی را به عنوان زبان مادری صحبت می‌کنند». پس گزینه ۱ و ۳ غلط و گزینه ۲ درسته.

با نگاه اهمالی کلمه کلیدی گزینه ۴ یعنی Singapore، رو در سطر ۲ پاراگراف ۲ پیدا می‌کنیم و جمله‌ای که این کلمه کلیدی داره، می‌گه: «هرود ۳۰۰ میلیون نفر در کشورهای قننا، هند، نیپریه و سنگاپور انگلیسی را به عنوان زبان دولتی، آموزش و تجارت صحبت می‌کنند.» نه زبان مادریشون. پس این گزینه که می‌گه: «انگلیسی زبان مادری مردم سنگاپوره» غلطه.

۱۷۸- گزینه ۲» طبق متن، کدام جمله درست نیست؟ انگلیسی فقط برای جهانگردی مهم است. با نگاه اهمالی، کلمه کلیدی گزینه یک یعنی USA and Britain، رو در سطر ۲ پاراگراف ۳ پیدا می‌کنیم و جمله‌ای که این کلمه کلیدی داره و جمله بعرض، می‌گه: «در قرن هفدهم بریتانیا برقی کشورها را مهبور کرد انگلیسی یاد بگیرند. در قرن بیستم، آمریکا باعث شد افراد سرتاسر جهان با زبان انگلیسی آشنا شوند». پس جمله این گزینه که می‌گه: «هم بریتانیا و هم آمریکا باعث شدند مردم با انگلیسی آشنا شوند» درسته. در نتیجه این گزینه غلطه.

با نگاه اهمالی، کلمه کلیدی گزینه ۲ یعنی tourism، رو در سطر ۳ پاراگراف ۲ پیدا می‌کنیم و جمله‌ای که این کلمه کلیدی داره، می‌گه: «انگلیسی مهم‌ترین زبان قاره‌ی است که بچه‌ها در مدرسه یاد می‌گیرند چون آن برای هوانگردی، تجارت بین‌المللی، تفریح و اینترنت مهم است.» و نه فقط برای هوانگردی. پس جمله این گزینه که می‌گه: «انگلیسی فقط برای هوانگردی مهمه» غلطه و در نتیجه این گزینه درسته. مواستون به کلمه only (فقط) باشه.

با نگاه اهمالی، کلمه کلیدی گزینه ۳ یعنی (spelling and grammar)، رو در سطر ۱ پاراگراف ۳ پیدا می‌کنیم و جمله‌ای که این کلمه کلیدی داره، می‌گه: «املا و دستور زبان انگلیسی دشوار است». پس جمله این گزینه که می‌گه: «املا و گرامر انگلیسی آسان نیست» درسته و در نتیجه این گزینه غلطه.

با نگاه اهمالی، کلمه کلیدی گزینه ۴ یعنی the most important foreign language، رو در سطر ۳ پاراگراف ۲ پیدا می‌کنیم و جمله‌ای که این کلمه کلیدی داره، می‌گه: «انگلیسی مهم‌ترین زبان قاره‌ی است». پس جمله این گزینه درسته و در نتیجه این گزینه غلطه.

۱۷۹- True از قرن شانزدهم تا قرن هجدهم وقتی مردم زبان یکدیگر را نمی‌فهمیدند فرانسوی صحبت می‌کردند. با نگاه اهمالی، کلمه کلیدی یعنی 16th و 18th، رو در سطر ۲ پاراگراف اول پیدا می‌کنیم و جمله‌ای که این کلمه کلیدی داره، می‌گه: «در قرون وسطی وقتی مردم زبان یکدیگر را نمی‌فهمیدند به زبان لاتین صحبت می‌کردند. در قرن‌های شانزدهم، هفدهم و هیجدهم مردم به زبان فرانسوی صحبت می‌کردند.» پس این جمله درسته.

۱۸۰- False انگلیسی، زبان مادری در غنا و نیجریه است. با نگاه اهمالی، کلمه کلیدی یعنی Nigeria and Ghana، رو در سطر ۲ پاراگراف ۲ پیدا می‌کنیم و جمله‌ای که این کلمه کلیدی داره، می‌گه: «در هرود ۳۰۰ میلیون نفر در کشورهای قننا، هند، نیپریه و سنگاپور انگلیسی را به عنوان زبان دولتی، آموزش و تجارت صحبت می‌کنند.» نه زبان مادریشون. پس این جمله غلطه.

۱۸۱- True زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم برای افراد دشوار است. با نگاه اهمالی، کلمه کلیدی یعنی (learn English)، رو در سطر یک پاراگراف ۳ پیدا می‌کنیم و جمله‌ای که این کلمه کلیدی داره، می‌گه: «انگلیسی زبان راحتی برای یادگیری نیست». پس این جمله درسته.

۱۸۲- در چه کشورهایی، افراد انگلیسی را به عنوان زبان مادری‌شان صحبت می‌کنند؟ People speak English as their mother tongue in Australia, Britain, Canada, Ireland, New Zealand, South Africa and the USA.

مردم در استرالیا، بریتانیا، کانادا، ایرلند، زلاندنو، آفریقای جنوبی و ایالات متحده آمریکا انگلیسی را به عنوان زبان مادری صحبت می‌کنند.

۱۸۳- چه موقع بریتانیا برخی کشورها را مجبور کرد انگلیسی یاد بگیرند؟

In the 18th century, Britain made some countries learn English.

در قرن هیجدهم بریتانیا برخی کشورها را مجبور کرد انگلیسی یاد بگیرند.

۱۸۴- آیا انگلیسی هیچ کلمه‌ای از زبان‌های دیگر قرض گرفت؟ اگر وام گرفته، اسم آن کشورها را بنویسید.

Yes, it did. It borrowed some words from German, French, and Arabic.

بله، وام گرفت. انگلیسی تعدادی کلمه را از آلمانی، فرانسوی و عربی وام گرفت.

He had only eighteen dollars.

۱۸۵-

اعدادی که به (teen) فتم میشن وقتی در جمله قبل از کلمه دیگری میان، استرس روی هبای اوله.

Today she's ninety.

۱۸۶-

اعدادی که به (ty) فتم میشن، استرس همیشه روی هبای اوله.

I bought fourteen notebooks and twenty pens.

۱۸۷-

اعدادی که به (teen) فتم میشن وقتی در جمله قبل از کلمه دیگری میان، استرس روی هبای اوله. و اعدادی که به (ty) فتم میشن، استرس همیشه روی هبای اوله.

Reza: How many books do you need? Ali: I need only thirteen.

۱۸۸-

اعدادی که به (teen) فتم میشن وقتی در جمله به تنهایی میان، استرس روی بخش آخر یعنی روی (teen) است.

Reza: How many books do you need? Ali: I need only thirteen books.

۱۸۹-

اعدادی که به (teen) فتم میشن وقتی در جمله قبل از کلمه دیگری میان، استرس روی هبای اوله.

My friend is nineteen years old but his grandfather is seventy.

۱۹۰-

اعدادی که به (teen) فتم میشن وقتی در جمله قبل از کلمه دیگری میان، استرس روی هبای اوله. و اعدادی که به (ty) فتم میشن، استرس همیشه روی هبای اوله.

I left school when I was seventeen.

۱۹۱-

اعدادی که به (teen) فتم میشن وقتی در جمله به تنهایی (معمولاً در انتهای جمله) میان، استرس روی بخش آخر یعنی روی (teen) است.

His father passed away at the age of fifty.

۱۹۲-

اعدادی که به (ty) فتم میشن، استرس همیشه روی هبای اوله.

A: He has sixteen books. B: How many? A: Sixteen.

۱۹۳-

اعدادی که به (teen) فتم میشن وقتی در جمله قبل از کلمه دیگری میان، استرس روی هبای اوله ولی وقتی در جمله به تنهایی (معمولاً در انتهای جمله) میان، استرس روی بخش آخر یعنی روی (teen) است.

A: What time is it? B: It's five fifteen.

۱۹۴-

۱۹۵- language - communicate - society

۱۹۶- Besides - tongue - Persian - Russian

۱۹۷- valuable - despite - differences

۱۹۸- impossible - imagine - without

۱۹۹- exchange - knowledge - beliefs - feelings - through

۲۰۰- institute - university - Moscow

۲۰۱- turn فراموش نکن قبل از خوابیدن تمام لامپ‌ها را خاموش کنی.

۲۰۲- range سن دانش‌آموزان در کلاس از ۱۸ تا ۲۳ متفاوت است.

۲۰۳- regions این نوع گیاه فقط در مناطق گرمسیر رشد می‌کند.

۲۰۴- exists آیا فکر می‌کنید که حیات بر روی سیارات دیگر وجود دارد؟

- بیش از ۷۰ درصد از جمعیت آن کشور جوان تر از ۲۵ سال است.
 من معتقدم که ورزش ذهنی به اندازه ورزش جسمی برای جوانان مهم است.
 you ضمیر فاعلی و مفعولیه ولی بقیه فقط ضمیر فاعلین.
 friendly صفته ولی بقیه قید حالتن.
 Sunday اسمه ولی بقیه قید زمانن.
 late قید حالته ولی بقیه قید تکرارن.
 swimming اسمه (اسم مصدر) یا قسمتی از فعل استمراریه ولی بقیه فعلن.
 به دو دلیل orange ناهماهنگه:
 ۱- orange اسم قابل شمارشه ولی بقیه غیر قابل شمارشن ۲- orange هم اسم و هم صفته ولی بقیه فقط اسمن.
- ۲۱۳- شما باید امشب در خانه به او انگلیسی درس بدهید.
 You should teach **him** English at home tonight.
 مفعول (در این یا ضمیر مفعولی him) بعد از فعل میاد. در این جمله دو مفعول داریم، که اول مفعول انسان (him) میاد بعد مفعول غیرانسان (English).
- ۲۱۴- آیا برادر کوچک شما دیروز صبح در اتاقش با بی دقتی تکالیف زیادی را انجام داد؟
 Did your younger brother do a lot of homework **carelessly** in his room yesterday morning?
 قید حالت (carelessly) بعد از فعل و بیان چه در جمله، مفعول باشه، بعد از مفعول (a lot of homework) میاد.
- ۲۱۵- آیا شما معمولاً هر دوشنبه در مدرسه به دوستان در تکالیفشان کمک می کنید؟
 Do you usually help your friends with their homework at school every Monday?
 به کسی در چیزی کمک کردن help sb with sth
- ۲۱۶- او قصد دارد فردا برای شما یک دوچرخه جدید بخرد.
 He is going to buy you a new bicycle tomorrow.
 آگه حرف اضافه for بین کلمات به هم ریخته وجود داشته، ترتیب به صورت زیر میشه:
 او قصد دارد فردا برای شما یک دوچرخه جدید بخرد.
- ۲۱۷- چه موقع افراد زیادی را در فروشگاه دیدید؟
 When did you see a lot of people in the shop?
 دیروز صبح افراد زیادی را در فروشگاه دیدم.
- ۲۱۸- Whom do you always meet at the train station on Tuesdays?
 شما همیشه سه شنبه ها چه کسی را در ایستگاه قطار ملاقات می کنید؟
 ما همیشه سه شنبه ها او را در ایستگاه قطار ملاقات می کنیم.
- ۲۱۹- She is going to bake **us** some cookies today.
 us مفعول انسان است که قبل از مفعول غیرانسان (some cookies) میاد. آگه بفرمایین اول مفعول غیرانسان بیارین، باید از حرف اضافه استفاده کنین،
 او قصد دارد امروز تعدادی بیسکویت برای ما درست کند.
- ۲۲۰- The man looked at me **angrily** at the zoo this morning.
 قید زمان قید مکان قید حالت
 آن مرد امروز صبح در باغ وحش با عصبانیت به من نگاه کرد.
- ۲۲۱- Jack **often** has his breakfast **quickly** in the kitchen.
 قید مکان قید حالت مفعول فعل اصلی قید تکرار
 جک اغلب صبحانه اش را در آشپزخانه سریع می خورد.
- ۲۲۲- Walter is **always** at school on Wednesday afternoon.
 قید تکرار فعل to be
 والتر همیشه چهارشنبه بعد از ظهر در مدرسه است.

-۲۲۳

Could your sister speak three foreign languages well two years ago?

معمول قیود حالت

آیا خواهرت دو سال قبل می توانست به خوبی به سه زبان خارجی صحبت کند؟

-۲۲۴

While my uncle was driving you to the train station, the accident happened.

فعل معمول

وقتی عمویم داشت شما را با ماشین به ایستگاه قطار می برد، آن تصادف اتفاق افتاد.

We will not spend our holiday at home next year.

-۲۲۵ ما سال آینده تعطیلاتمان را در خانه نخواهیم گذرانند.

Few people can speak more than three languages well.

-۲۲۶

تعداد کمی از افراد می توانند بیش از سه زبان را به خوبی صحبت کنند.

She is not going to send you a letter next week.

-۲۲۷ او قصد ندارد هفته آینده برای شما یک نامه بفرستد.

آگه حرف اضافه to بین کلمات به هم ریخته وجود داشت، ترتیب به صورت زیر همیشه

She is not going to send a letter to you next week.

او قصد ندارد هفته آینده برای شما یک نامه بفرستد.

My older brother gave him an expensive watch last night.

-۲۲۸ برادر بزرگترم دیشب یک ساعت گران قیمت به او داد.

آگه حرف اضافه to بین کلمات به هم ریخته وجود داشت، ترتیب به صورت زیر همیشه

My older brother gave an expensive watch to him last night.

برادر بزرگترم دیشب یک ساعت گران قیمت به او داد.

I was reading a newspaper carefully when you called me.

-۲۲۹

وقتی به من زنگ زدید داشتم با دقت یک روزنامه می خواندم.

Where will you go on Tuesday afternoon?

-۲۳۰ شما بعدازظهر سه شنبه به کجا خواهید رفت؟

ما بعدازظهر سه شنبه به آزمایشگاه خواهیم رفت.

Who spent a lot of time translating the letter last night?

-۲۳۱ چه کسی دیشب زمان زیادی را صرف ترجمه نامه کرد؟

عمه ام دیشب زمان زیادی را صرف ترجمه نامه کرد.

How did your sister speak German in the museum this morning?

-۲۳۲ خواهرت امروز صبح در موزه چه طور آلمانی صحبت کرد؟

خواهرم امروز صبح در موزه خیلی خوب آلمانی صحبت کرد.

What do millions of people visit every year?

-۲۳۳ هر سال میلیون ها نفر از چه چیزی بازدید می کنند؟

هر سال میلیون ها نفر از پارک ملی بازدید می کنند.

What were the cats doing in the garden yesterday morning?

-۲۳۴ آن گربه ها دیروز صبح در باغ داشتند چه کار می کردند؟

آن گربه ها دیروز صبح در باغ خوابیده بودند.

